



عزیزی بانک
Azizi Bank

قرضه برای شرکت‌های کوچک-متوسط

عزیزی بانک برای رشد و پیشرفت کاروبار و پیش برد پروژه های تان قرضه های کوچک و متوسط را با آسانترین شرایط به شما پیشکش میکند. تمام تجاران افغان که سه پروژه فعال دارند میتوانند این قرضه که مدت باز پرداخت آن بطور اقساط از یک الی دو سال میباشد، بدست بیاورند.



www.azizibank.af

1515



جوابیدن:

به حمایت از افغانستان با ناتو توافق کردیم

او می‌گوید: «سربازان ما به خانه خود برمی‌گردند، اما ما با افغانستان در بخش کمک دیپلماتیک، اقتصادی و بشری توافق کردیم. حمایت ما از نیروهای افغان ادامه خواهد داشت.»
رییس‌جمهوری امریکا بیان کرد که تلاش‌ها برای مبارزه با تروریسم باید ادامه یابد تا اطمینان حاصل شود که افغانستان به لانه امن گروه‌های تروریستی مبدل نشود.
پیش از این، ناتو اعلام کرد...

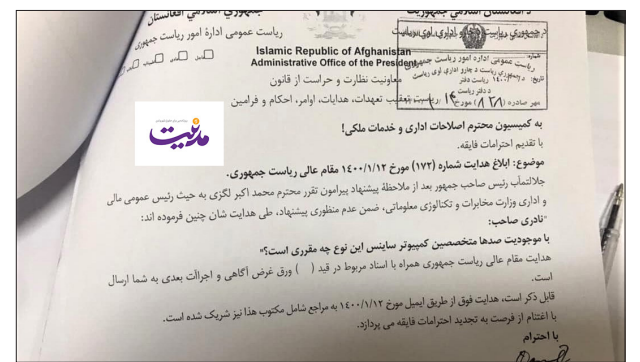
• راه مدنیت: همزمان با پایان نشست سران کشورهای عضو ناتو، جو بایدن، رییس‌جمهوری امریکا اعلام کرد که آن‌ها به حمایت از افغانستان توافق کرده‌اند.
آقای بایدن به خبرنگاران گفته که در میان سران ناتو اجماع قوی در پیوند به افغانستان وجود دارد و آن‌ها پس از خروج نیروهای بین‌المللی، حمایت‌شان را از نیروهای امنیتی و دفاعی افغانستان ادامه یابد.

عنوان‌های مهم

اصلاحات اداری شفاف نیست یا اداره امور؟

«ناداری صاحب: با موجودیت صدها متخصصین کمپیوتر ساینس این نوع چه مقرری است؟»

• عنوان ابلاغ‌نامه‌یی است که از سوی «معاونیت نظارت و حراست از قانون» اداره امور ریاست جمهوری به کمیسیون اصلاحات اداری موصلت ورزیده است. جدای از اینکه این عنوان خود از لحاظ نگارش چه مشکلی دارد، اما محتوای چنین مکتوبی، نشان از برخورد و...



آسیب‌های اجتماعی؛ دلایل و عوامل

• آسیب اجتماعی به معنای آسیب‌دیدن بخش‌هایی از جامعه است؛ همان گونه وقتی قسمتی از بدن یک فرد دچار عارضه می‌شود کارایی فرد را کاهش می‌دهد؛ در جامعه نیز زمانی که عده‌یی از افراد درگیر آسیب‌هایی مانند اعتیاد، طلاق، حاشیه‌نشینی، بی‌اعتمادی... بی‌اعتمادی...



دیگر خواندنی‌ها در این شماره

راس ویلسن: نمی‌دانیم طالبان چه می‌خواهند

هشدار سازمان ملل از افزایش آوارگان داخلی در افغانستان

«خون اهدا کنید تا قلب دنیا به تپیدن ادامه دهد»

حقوق پناهندگان در نظام بین‌المللی حقوق بشر

بیماری واگیر کرونا و تاثیر آن بر سیستم‌های آموزشی

• نزدیک به دو سال است که بیماری واگیر کرونا بشر امروز را در هر گوشه جهان متاثر ساخته است. امروزه ویروس کووید ۱۹ سبب شده است که نظام‌های آموزشی، اقتصادی و حتا زندگی اجتماعی در تمامی کشورهای جهان دچار اختلال شود.
یکی از بخش‌های مهمی که در تمامی جهان تحت تاثیرات منفی بیماری کرونا...
RE-START 21
EDUCATION IN PANDEMIC: FULFILLING LEARNING GAP AMONG STUDENTS
FEBRUARY 2021
17000+ PAGES ONLINE



در نظرسنجی راه مدنیت: (سنجش خواهر و برادر آزاری در شهر کابل) ۴/۴ درصد دختران در معرض آزار و اذیت قرار گرفته‌اند

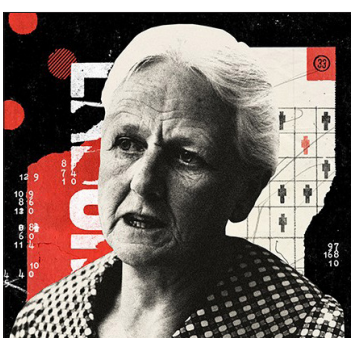
ردیف	نوع آزار	آزار	هرگز	بکثرت	بسیار زیاد	میانگین	میانگین	
		(درصد)	(درصد)	(درصد)	(درصد)	(این ۱۰۰۰ نفر)	(این ۱۰۰۰ نفر)	
1	جسمی	تبله دادن	64.9	19.3	11.9	2.5	1.5	1.56
		خراندین پوست	83.7	6.4	8.9	1	0	1.96
		ندان گرفتن	82.2	13.4	4	1.5	0	1.25
		موی کشیدن	78.2	10.4	1.5	4.5	0	1.48
		سبلی زدن	79.2	9.4	8.4	3	0	1.35
		ضربه زدن	97.0	1.5	1.5	0	0	1.50
		سوزاندن	97.0	1.5	1.5	0	0	1.50
		نگو فغان دادن	89.4	5.9	1	5.9	0	1.90
		سایر خشونت	22.9	75.2	1.90	0	0	1.90
		2	روانی	فحاشی کردن	63.5	15.8	9.9	8.9
تحقیر کردن	67.5			20.0	7.00	2.50	3	1.62
تهدید فیزیکی	79.9			5.50	1.50	7.50	0	1.69
عصبی کردن	75.4			7.50	5.00	4.50	7.50	1.61
حسادت	81.5			6.5	6.00	6.00	0	1.91
سایر خشونت	14.0			83.5	0.50	1	0	1.91
3	جنسی	لمس و نوازش	96.5	2	1.50	0	0	1.06
		روابط جنسی	100	0	0	0	0	0.00

خواهری و برادری، پژوهش‌ها به سمت بررسی موضوعات روان‌شناختی و توجه به نقش...
با توجه به آنچه در بالا اشاره شد، به‌منظور ارایه نظریه ساختاری خانواده و برجسته‌شدن نقش زیربنایی

• مطالعات انجام‌شده در دهه‌های اخیر بیانگر این موضوع است که آزار جسمی، ذهنی و جنسی کودک، به‌شدت با مشکلات روان‌شناختی سن کودک مرتبط است. (خضروی افلاک‌فر، ۱۳۷۵)
افسردگی، احساس گناه، سرزنش‌کردن خود، استرس پس از ضربه، ناسازگاری اجتماعی و احساس نداشتن امنیت، اجتناب از برقراری روابط صمیمانه، گوشه‌گیری و بیش‌فعالی همراه آزار و اذیت از آثار آن محسوب می‌شود. (زرگر و دیگران، ۱۳۸۵)
برخلاف آزار جسمانی، آزار روانی اثری مشهود بر جسم کودک برجای نمی‌گذارد؛ اما آثار آن به مراتب عمیق‌تر و فاجعه‌آمیزتر است. (Lewis, ۱۹۹۶)

زنی که اسطوره بازار آزاد را درهم شکست

• هنگامی که جون رایبسن در سال ۱۹۲۹ به دانشگاه کمبریج وارد شد، کسی انتظار نداشت که یکی از بزرگ‌ترین اقتصاددانان قرن بیستم شود؛ چه برسد به قرن بیست‌ویکم.
در آن زمان، ۲۶ سال داشت و سه سال گذشته را در کنار شوهرش در هند سپری کرده بود، بدون آنکه حرفه و مسوولیتی داشته باشد. شوهرش، آستین، اقتصاددانی که شش سال از او بزرگ‌تر بود، آنجا معلم خصوصی فرزند یک مہاراجه بود. هنگامی که آستین به بریتانیا بازگشت تا به دانشکده اقتصاد کمبریج ملحق شود، جون که قبلاً در مقطع لیسانس اقتصاد تحصیل کرده بود، حس جاه‌طلبی‌اش برانگیخته شد، اما به محیط زن‌ستیزانه‌یی پا گذاشته بود.
علم اقتصاد در دانشگاه کمبریج به مدت...



نرخ اشتراک در روزنامه

مدت	هزینه اشتراک	ادارات دولتی و خصوصی
یک سال	۶۰۰۰ افغانی	ادارات دولتی و خصوصی
شش ماه	۳۰۰۰ افغانی	ادارات دولتی و خصوصی
یک سال	۲۰۰ دالر	دفاتر و موسسات خارجی
شش ماه	۱۰۰ دالر	دفاتر و موسسات خارجی



RAH-E-MADANYAT DAILY

برای دریافت تازه‌ترین خبرها، تحلیل‌ها و گفتگوها به وب‌سایت ما مراجعه کنید:

madanyatdaily.com

عبدالله: واگذاری ولسوالی‌ها پلان‌شده نیست

● همزمان با سقوط ولسوالی‌ها در هفته‌های اخیر به‌دست گروه طالبان، عبدالله عبدالله، رییس شورای عالی مصالحهٔ ملی می‌گوید که ادعای واگذاری پی‌هم و پلان‌شدهٔ ولسوالی‌ها به این گروه درست نیست.

آقای عبدالله روز سه‌شنبه (۲۵جوزا) با نشر خیرنامه‌یی این موضوع را در نشستی که از سوی نهاد «فریدریش ایبرت» در کابل برگزار شده بود، مطرح کرده و در این نشست شماری از رهبران جوان نیز اشتراک داشته‌اند.

طبق معلومات این خبرنامه: «رهایی پی‌درپی ولسوالی‌ها از سوی نیروهای امنیتی جزیی از پلان منظم نیست و ادعایی مبنی بر این‌که گویا از روی یک پلان به طالبان واگذار می‌شود، درست نیست.»

او می‌افزاید که عوامل متعدد سبب شده تا نیروهای امنیتی ولسوالی‌ها و مناطق را رها کنند.

وی تأکید کرد: با وجود این‌که سقوط پی‌هم ولسوالی‌ها، نگرانی‌هایی را در میان مردم ایجاد کرده، اما مردم از نیروهای امنیتی حمایت می‌کنند.

رییس شورای عالی مصالحهٔ ملی تصریح کرد: «می‌دانیم که شرایط ناگوار است، اما مسوولیت همهٔ ماست که بار سختی را بکشیم و از وضعیت موجود گذر کنیم.»

آقای عبدالله با اشاره به مذاکرات صلح گفته که دولت و جامعهٔ جهانی متفقند که معضل کنونی افغانستان راه حل نظامی ندارد، اما طالبان تا هنوز به آن قناعت نکرده‌اند.

وی بیان کرد که با خروج نیروهای خارجی آخرین دلیل ادامهٔ جنگ طالبان از میان رفته و یگانه راه حل دوام مذاکرات است.

همچنین به گفتهٔ او، جنگ کنونی این‌گروه مشروعیت ندارد.

این گفته‌ها درحالی مطرح می‌شود که در هفته‌های اخیر طالبان خشونت‌ها را افزایش داده و در هشت هفتهٔ گذشته، بیش از ۲۰ ولسوالی به‌دست این گروه سقوط کرده است.

چهار واکسیناتور رضاکار پولیو در ننگرهار کشته شدند

● راه مدنیت: ضیالحق امرخیل، والی ننگرهار می‌گوید که تفنگ‌داران ناشناس در این ولایت بر کارمندان رضاکار برنامه تطبیق واکسین پولیو حمله کردند که در نتیجهٔ چهار تن کشته و سه تن دیگر زخمی شدند. آقای امرخیل گفت که بامداد روز سه‌شنبه (۲۵جوزا) تفنگ‌داران ناشناس در سه حمله جداگانه بر واکسیناتوران فلج کودکان چهار تن را تکشته و سه تن دیگر را زخمی کرده‌اند.

در همین حال، عثمان طاهری، معاون سخنگوی وزارت صحت عامه با تأیید این موضوع به روزنامه راه مدنیت گفت که در این حملات چهار تن کشته و سه تن دیگر زخمی شده‌اند.

به گفته وی، دو نفر در ولسوالی خوگیانی و دو نفر دیگر در ولسوالی سرخرود ننگرهار کشته شده‌اند. در این حملات سه تن دیگر نیز زخم برداشتند که در شفاخانه حوزه‌یی ننگرهار بستری هستند.

مسوولیت این حملات را فرد و یا گروهی بر عهده نگرفته است.

این در حالی است که در تاریخ ۱۰ حمل سال جاری نیز افراد مسلح ناشناس پنج فرد تطبیق کنندهٔ واکسین پولیو را در مناطق «مجبورآباد» و «لعل قاسم‌آغا»ی شهر جلال‌آباد کشتند. مسوولیت این رویداد را هم شخص و یا گروهی به عهده نگرفت.

ولایت ننگرهار در شرق از ولایت‌های ناامن به‌شمار می‌رود که در بخش‌هایی از این ولایت جنگ‌جویان گروه‌های مختلف تروریستی فعالیت گسترده دارند.

● راه مدنیت: رایس ویلسن، شارژدافیر سفارت ایالات متحده در کابل می‌گوید که مقام‌هایی امریکایی تا هنوز نمی‌دانند که گروه طالبان دقیقاً چه می‌خواهند و چگونه می‌خواهند افغانستان را اداره کنند. اگر طالبان صلح نکنند و به جنگ ادامه دهند، جنگ جاری تشدید یافته و منجر به ویرانی بیشتر خواهد شد.

آقای ویلسن گفت که امریکا به طالبان واضح ساخته که به شدت مخالف هرگونه تلاش برای به‌دست آوردن قدرت از راه نظامی است. شارژدافیر سفارت امریکا این موضوع را در مصاحبه با رادیو آزادی مطرح کرده است. او گفته: «اگر آن‌ها تلاش کنند که از راه زور کنترل کشور را به‌دست آورند به احتمال زیاد که در آن صورت ادامه جنگ وجود دارد، مردم افغانستان این را نمی‌خواهند و با طالبان هم نیستند، این دلیل عمده‌یی است که طالبان را فراخواندیم تا با دولت افغانستان بنشینند و با مذاکره‌کننده‌هایش گفتگوهای موثری به پیش ببرند.»

با خروج نیروهای خارجی از افغانستان، حملات گروه طالبان افزایش یافته و برخی ولسوالی‌ها را در نقاط مختلف کشور به دست آنان افتاده است.

با این حال، راس ویلسن در مورد پرسش این که اگر طالبان برای تصرف کابل و دیگر شهرهای افغانستان تلاش کنند، واکنش امریکا چی خواهد بود؟ گفت که حمایت امریکا از نیروهای امنیتی افغان که در حال حاضر امور امنیتی افغانستان را به عهده دارند، ادامه خواهد یافت.

وی تأکید کرد که اگر طالبان برای سرنگونی دولت افغانستان و به‌دست آوردن قدرت با جنگ ادامه دهند، امریکا مانند سال‌های اخیر پشتیبانی خود از نیروهای امنیتی و دفاعی و

راس ویلسن: نمی‌دانیم طالبان چه می‌خواهند



همچنین مردم افغانستان را ادامه خواهد داد. طبق گفته‌های او، اداره بایدن در بودجه سال جدید مالی خواهان سه میلیارد دوصد میلیون دالر برای تمویل و حمایت نیروهای افغانستان شده و در کنار آن سه صد میلیون دالر دیگر را برای کمک با بخش‌های اقتصادی افغانستان خواستار شده است.

شارژدافیر سفارت امریکا در کابل علاوه کرد که ایالات متحده به حمایت از دولت و مردم افغانستان ادامه خواهد داد تا منافع و دست‌آوردهای ۲۰سال گذشته را حفظ کند.

آقای ویلسن افزوده: «هدف از تلاش‌های زلمی خلیل‌زاد، نمایندهٔ خاص امریکا برای صلح افغانستان همین است که هیات مذاکره‌کنندهٔ دولت افغانستان و طالبان تمام مسایل را به روی میز بگذارند، اما طالبان تا کنون از این کار امتناع کرده‌اند.»

بر اساس سخنان وی، آن‌ها (امریکا) هنوز نمی‌دانند که طالبان دقیقاً چی می‌خواهند: «چشم‌انداز آن‌ها از افغانستان چیست، چگونه می‌خواهند این کشور اداره شود،

هشدار سازمان ملل از افزایش آوارگان داخلی در افغانستان



نیروهای خارجی از افغانستان و کند شدن گفتگوهای صلح، خشونت در این کشور هر روز در حال افزایش است. وی تأکید کرد: «ما در حال برنامه‌ریزی اقتصادی در داخل کشور برای آوارگی بیش‌تر و در کشورهای همسایه در صورت عبور مردم از مرزها هستیم.»

بر اساس معلومات کمیشتری عالی پناهندگان سازمان ملل متحد، در حال حاضر حدود ۲٫۵میلیون پناهنده افغان در سراسر جهان ثبت شده‌اند و ۴٫۵میلیون نفر نیز در داخل کشور آواره شده‌اند.

با این حال روز گذشته، دفتر امور همانگی کمک‌های بشری ملل متحد (اوچا) اعلام کرد که ۳۵هزار نفر در نتیجه درگیری‌های اخیر در ولایت‌های لغمان و ننگرهار از مناطق

ناتو می‌خواهد نیروهای ویژهٔ امنیتی افغان را در قطر آموزش دهند

● خبرگزاری رویترز گزارش داده که سازمان پیمان اتلانتیک شمالی یا ناتو برای ایجاد یک پایگاه به هدف آموزش نیروهای ویژهٔ امنیتی افغانستان با قطر در حال مذاکره است.

این خبرگزاری به نقل از منابعی در سازمان ناتو گزارش داده که این سازمان به دنبال تلاش‌های خود برای جستجوی یک پایگاه امن برای آموزش نیروهای ویژهٔ امنیتی افغانستان اکنون قصد دارد تا در قطر این پایگاه را ایجاد کند.

در ادامه آمده که ناتو در حال مذاکره با مقام‌های دولتی قطر هستند.

در عین حال، سه مقام ارشد عضو ناتو به خبرگزاری رویترز گفته‌اند که بر بنیاد همکاری‌های استراتژیک ناتو با افغانستان، این سازمان در نظر دارد تا یک پایگاه امن برای آموزش نیروهای

خاص امنیتی افغانستان را در قطر ایجاد کند. همچنین یک منبع امنیتی ناتو گفته: «ما در حال مذاکره با قطر در مورد ایجاد این پایگاه هستیم.

تا در آن‌جا زمینه آموزش‌های اختصاصی برای اعضای ارشد امنیتی افغانستان فراهم شود.» رویترز به نقل از یک منبع امنیتی دیگر در واشنگتن نوشته:«ما این پیشنهاد را کردیم، این به قطر برمی‌گردد که تصمیم بگیرد آیا راحت است که ناتو از قلمروش به‌عنوان پایگاه آموزشی نیروهای امنیتی افغانستان استفاده کند یا خیر.» این خبرگزاری گزارش داده که یک منبع دیپلماتیک در کابل گفته که آموزش اعضای نیروهای ویژهٔ امنیتی افغانستان برای چهار تا شش هفته در قطر مورد بحث مقام‌های ناتو بوده است.

از سویی هم، دفتر ارتباطات دولت قطر، ناتو و حکومت افغانستان در مورد استفاده از حوزهٔ خلیج فارس برای ایجاد پایگاه آموزشی نیروهای ویژه افغانستان چیزی نگفته‌اند.

با این حال، ینس استولتنبرگ، دبیر کابل ناتو قبلاً گفته بود که زمینه آموزش نیروهای ویژه امنیتی افغانستان را در خارج فراهم می‌کند.

در نشست سران ناتو که روز دوشنبه (۲۴جوزا) پایان یافت و آنان با نشر اعلامیه‌یی بر حضور غیرنظامی ناتو در افغانستان و حمایت از آموزش و تجهیز نیروهای امنیتی افغانستان تأکید کرده‌اند. در اعلامیه آمده، سران ناتو تأکید کرده‌اند که در کنار مردم، نهادها و نیروهای امنیتی افغانستان می‌ایستند و از دست‌آوردهای ۲۰سال گذشته حمایت می‌کنند.

از سویی هم در اعلامیه تصریح شده که برای حضور پایدار دیپلماتیک و اهمیت ارتباط افغانستان با جهان، بودجهٔ را برای اطمینان از ادامه کار میدان هوایی بین‌المللی حامد کرزی تأمین خواهد کرد.

آنان می‌افزایند که ماموریت نظامی ناتو در افغانستان پس از ۲۰سال در حال پایان یافتن است، اما اکنون افغان‌ها خود مسوولیت کامل امنیت کشورشان را بر عهده می‌گیرند.

جو بایدن: به حمایت از افغانستان با ناتو توافق کردیم

راه مدنیت: همزمان با پایان نشست سران کشورهای عضو ناتو، جو بایدن، رییس جمهوری امریکا اعلام کرد که آن‌ها به حمایت از افغانستان توافق کرده‌اند.

آقای بایدن به خبرنگاران گفته که در میان سران ناتو اجماع قوی در پیوند به افغانستان وجود دارد و آن‌ها پس از خروج نیروهای بین‌المللی، حمایت‌شان را از نیروهای امنیتی و دفاعی افغانستان ادامه یابد.

او می‌گوید: «سرپازان ما به خانهٔ خود برمی‌گردند، اما ما با افغانستان در بخش کمک دیپلوماتیک، اقتصادی و بشری توافق کردیم. حمایت ما از نیروهای افغان ادامه خواهد داشت.»

رییس جمهوری امریکا بیان کرد که تلاش‌ها برای مبارزه با تروریزم باید ادامه یابد تا اطمینان حاصل شود که افغانستان به لانهٔ امن گروه‌های تروریستی مبدل نشود.

پیش از این، ناتو اعلام کرد که پس از پایان ماموریت نظامی این سازمان در افغانستان از میدان هوایی حامد کرزی حمایت مالی خواهد کرد.

از سویی هم، رجب طیب اردوغان، رییس جمهور ترکیه پس از اتخاذتصمیم ناتوودیدار بارییس‌جمهور بایدن گفت که اگر ناتو وجامعهٔ جهانی حمایت مالی و لوژستیکی را فراهم کنند، آماده است که پس از خروج نیروهای خارجی در افغانستان بماند و امنیت میدان هوایی کابل را تأمین کند.

وی بر گفتگو با طالبان تأکید کرد، اما گفت که پاکستان هم باید در این بخش در نظر گرفته شود. با این حال طالبان چند روز قبل گفته بودند که مطابق به توافق نامهٔ دوحه باید تمام نیروهای خارجی افغانستان را ترک کنند.

به‌مطالبات مدنی شهروندان بدخشان چر ابا‌خشونت بر خور دشد؟

فرزاد عنایت

در روزهای اخیر، شهروندان فیض‌آباد مرکز ولایت بدخشان طی گردهمایی و تظاهرات مسالمت‌آمیز، خواهان تحقق نیازمندی‌های زندگی (امنیت، آب و برق) شدند، اما به جای پاسخ گفتن به این مطالبات، حکومت محلی بدخشان به روی مظالم‌کنندگان آتش گشود و آنان را به رگ‌بار بست.

در نتیجهٔ این فبرهای حکومتی ۷ نفر جان باخت و بیش از ۳۰ نفر زخم برداشتند. رفتار خشن حکومت محلی بدخشان، باعث شد معترضان برای روزهای پیاپی به اعتراض خود ادامه دهند و دست از حق خواهی نکشند. آنان با برپایی خیمهٔ عدالت به خواست‌های خود تأکید کردند و پس از آن‌که شمار تلفات زخمی‌ها با گذشت هر روز بالا رفت، در کنار خواست‌های اصلی‌شان، خواهان برکناری والی فعلی ولایت بدخشان آقای ذکریا سودا نیز شدند.

والی بدخشان در نخستین واکنش، تظاهرات را غیر مدنی خواند و کسانی را به دست داشتن پشت صحنه متهم نمود. او از صلاح‌الدین ربانی و هواداران حزب تحریر نام برد و تظاهرات جوانان را سیاسی و قشری خواند. در واکنش به این موضوع دولت مرکزی، هیاتی را که متشکل از افراد منسوب به بدخشان و بیرون از بدخشان مقیم کابل بودند، به فیض‌آباد فرستاد تا موضوع را از نزدیک تحقیق و بررسی نمایند.

نتیجهٔ بررسی‌ها و کار هیات تا هنوز رسانه‌بی نشده و معلوم نیست که آنان در تحقیقات خود کدام طرف را ملامت اعلام می‌کنند.

سوال اساسی این است که رفتارهای مدنی در بدخشان چرا به خشونت کشانیده می‌شود؟ آیا مردم بدخشان نهاد خشن دارند و کاسهٔ صبرشان در برابر بی‌عدالتی لبریز شده است؟ آیا دستان مافیایی هستند که از مردم بهره‌برداری ناراست در جهت منافع خود می‌کنند؟ آیا عوامل دیگر بیرونی و درونی هستند که چه در رفتار خشونت‌بار حکومت و یا هم مظالم‌کنندگان نقش دارند؟

مردم بدخشان ذاتاً مردم نرم‌خوی و با عاطفه هستند، هیچ‌گاه طرف‌دار جنگ و خون‌ریزی نبوده و نیستند. این مردم روح سرشار از مدارا و گذشت دارند، اما در برابر بی‌عدالتی روح طغیان‌گر نیز دارند. جریان مبارزات حق‌طلبانهٔ بدخشانی‌ها در مقیاس ملی برای همه روشن است.

عدالت اجتماعی مرده است

حقیقت مسلم این است که عدالت اجتماعی در ولایت بدخشان سال‌هاست که مرده است. بدخشان را چند خانوادهٔ سرمایه‌دار که سرمایه‌هایشان را از راه نامشروع، قاچاق مواد مخدر و ذخایر زیرزمینی مانند سنگ لاجورد و طلا به‌دست آورده‌اند اداره می‌کنند. تجارت آنان از بدخشان شروع تا کابل، قندهار، بیرون از مرزها از پشاور پاکستان شروع تا لندن آمستردام و سایر شهرهای کشورهای همسایه و کشورهای اروپایی ادامه دارد.

همین مافیای مواد مخدر و مافیای سنگ و منرال‌ها، بر مقدرات سیاسی و اجتماعی این مردم حاکم است. آنان در تعیین حاکمان محلی نیز نقش دارند.

حکومت مافیا

حکومت محلی بدخشان سال‌هاست که توسط مافیا اداره می‌شود. اگر مافیا نباشی زندگی و حتی خدمت کردن بسیار سخت است، تحمل نمی‌کنند، دوسیه‌سازی می‌کنند و نمی‌گذارند کار حسابی کنید. باید حق بدهی تا مدتی باشی.

وکالی بدخشان در کابل نیز در باندهای چند تقسیم شده‌اند و هر کدام برای منافع خود در تسانی با مافیای محلی و مرکزی کار می‌کنند. یعنی یک سر مافیا در کابل است و سر دیگرش در بدخشان و همین مافیاست که جریان‌های مدنی را محکوم می‌کنند و برچسپ هم می‌زنند.

بدخشان بزرگ ندارد

بدخشان به قول پرتو نادری اصلاً بزرگ ندارد و چند دلال دکاندار سرچوکاند که همه فضیلت و بزرگی‌شان در ثروت نامشروع، موتوهای زره و درباریان متملق‌شان نهفته است. آدم پاک، مستقل، دلسوز به منافع عام مردم در بدخشان کمتر دیده می‌شود.

ظرفیت‌های اقتصادی و مردم فقیر

دو سال پیش به بدخشان سفر کردم. همه جا نشان‌های فقر و بیچارگی را به چشم سر دیدم. هر روز حکایت‌های دردناکی از سفر جوانان بدخشان به ایران به هدف کار می‌شوم. با وصف سرازیر شدن کمک‌های بیرونی هنوز مردم ما به ابتدایی‌ترین امکانات زندگی دست‌رس ندارند. با وصف منابع آب فراوان، ظرفیت‌های اقتصادی کلان هیچ کار اثربخش در بدخشان طی ۲۰ سال اخیر نشده است. بارها از احداث بند برق شورابیک شنیده‌ایم، اما معلوم نیست که این برق چه وقت به خانه‌های مردم می‌رسد. با وصف این که بدخشان ۳۰درصد منابع آبی کل افغانستان را دارد، اما مردم در اکثر مناطق آب آشامیدنی صحتی ندارند، از آب‌های باز و چشمه‌ها استفاده می‌کنند. در کنار آن به مکتب، کلنیک، سرک و سایر شاخص‌های ابتدایی زندگی دست‌رس ندارند.

بنابراین خواست مردم ما که امنیت، آب و انرژی بود، حق‌طلبانه و حق به جانب بود و می‌بایست به خواست آنان جواب مدنی داده می‌شد و آنان هرگز سزاوار آتش‌باری و مرگ نبودند.

تهدیدهای نهان‌براننداز

در حالی که طالبان بدخشان عناصری بیگانه با فرهنگ بومی و تاریخ سرزمین‌شان هستند و در مدارس بیگانه‌ها درس خواندند، همه روزه خشونت می‌کنند کافی نیست؟ انتظار از والی بدخشان این نبود که مثل طالب در برابر مردم سنگر بگیرد و خواست مدنی آنان را با آتش جواب بدهد.

متأسفانه بدخشان امروز با بدخشان ۴۰ سال پیش فرق می‌کند. روح عاطفی و فرهنگ اجتماعی صدمهٔ جدی دیده است. در بدخشان با داشتن مرزهای باز و مراداتی که از طریق چترال با کشور پاکستان دارد، فرهنگ خشونت، آموزه‌های غلط دینی، سودجویی و بیگانگی نهادینه شده است. جوان بدخشانی امروز نسبت به هرزمان دیگر طعمهٔ باندهای افراط‌گرا، قاچاق‌بران مواد مخدر، سنگ‌های قیمتی و بت‌های داخلی شده‌اند. کمتر می‌بینیم که جوانان با فرهنگ و اصالت گذشته‌شان احساس تعلق داشته باشند، آزاد فکر کنند و آزاد بیندیشند. صفحات اجتماعی آنان پر از مداحی دیگران است.

البته این را هم باید بگویم که در جبههٔ روشنایی جوانانی هستند که برای تحقق عدالت، برگشت به گذشته، نهادینه شدن فرهنگ تعاون و مدارا می‌رزمند، اما متأسفانه این جماعت هم نزد حکومت مرکزی مهقورند و هم نزد اربابان محلی قدرت در بدخشان!

رئیس‌جمهور این بوده که بست‌های خالی باید توسط سرپرست درهیچ ارگانی اداره نشود و بست‌های خالی از طریق رقابت آزاد باید تکمیل شود، اما برعکس این مصوبه تا اکنون با گذشت چندین ماه از این مساله، هیچ پاسخ و دلایل منطقی در رابطه به رد منظوری شخص مذکور داده نشده و ریاست زبرینا و اداری با سرپرست اداره می‌شود.

مورد سوم

حدود چند ماه قبل بست رتبه اول در ادارهٔ ملی تنظیم امور زندان‌ها، ریاست عمومی مالی و اداری از طریق پروسه رقابتی آزاد کمیسیون اصلاحات اداری و خدمات ملکی، شخص احمد جواد ادیب باشنده اصلی ولایت بدخشان با گرفتن نمره کامیابی در ریزرف قرار می‌گیرد



و با گذشت چندین ماه هنوز هم خبری از جابه‌جایی نیست. اما در این بخش‌ها افراد دیگری معرفی شده‌اند. احمدجواد ادیب می‌گوید: بعلاوه این بست دو بست دیگر نیز امتحان دادم؛ در ریاست تدارکات وزارت معدن و در ریاست اداری و خدمات وزارت معدن؛ اما هر بار در ریزرف قرار گرفتیم.

بر اساس ماه (۲۵) طرزالعمل بست‌های عالی‌رتبه تعیینات خدمات ملکی در صورتی که بست مشابه در سایر ادارات دیگر وجود داشته باشد، طبق قانون، شخص مستحق با توافق طرفین می‌تواند در ادارات دیگر اجرای وظیفه نماید. اما شخص مذکور بعد از سپری کردن امتحان رقابتی در بست ریاست مالی و اداری وزارت معدن، مکتوب موافقهٔ وی به وزارت ترانسپورت از طرف کمیسیون اصلاحات اداری ارسال می‌گردد که تا اکنون موافقتی صورت نگرفته و به‌دلیل اخلاقی بودن پروسه شخص دیگری با استفاده از روابط معرفی شده است.

همچنین به‌دلیل ریزرف قرار گرفتن بست‌های دیگر و کمبود بست‌های مشابه در اداره ملی احصاییه و وزارت فواید عامه از طرف کمیسیون اصلاحات اداری موافقت صورت گرفته و به ادارات مربوط سپرده شده، اما حدود یک‌سال می‌شود که در مورد این شخص موافقتی انجام نشده است.

مورد چهارم

بست رتبه (دوم) ریاست گمرک ولایت کندز و همچنین ریاست تدارکات وزارت مالیه نیز از طریق پروسهٔ آزاد رقابتی کمیسیون اصلاحات اداری در زمان‌های مختلف به اعلان سپرده می‌شود.

در این بست با اشتراک بیش از بیست نفر داوطلب، بهرالدین فخری در مرحلهٔ اول به‌حیث کاندیدا در ریاست کندز موفق شناخته شده. او پس از سپری کردن امتحان به مرحلهٔ مصاحبه راه پیدا می‌کند و در آخرین مرحلهٔ امتحان (مصاحبه) با گرفتن نمره کامیابی به‌حیث کاندیدای ریزرف معرفی می‌شود.

فخری که باشنده اصلی بغلان است، پس از معرفی شدن به ریزرف، از مرحله مصاحبه به‌دلیل اینکه «شخص دیگری با کمترین نمره از مرحله مصاحبه بنا بر روابط شخصی و واسطه‌گیری کاندیدای موفق اعلام شده، شکایت می‌کند»، اما بهرالدین فخری باز هم با اخذ نمره کامیابی به ریزرف باقی می‌ماند.

در عین حال، فخری به روزنامه راه مدنیت گفت: من پس از مرحلهٔ مصاحبه در بست ریاست کندز چندین بار شکایت کردم که باز هم موفق نشدم، ولی بعد از آن کاملاً امتحان را از بین بردند و بست را دوباره به اعلان سپردند و الا اکنون سرنوشت‌اش معلوم نیست.

با همه آنچه ذکر شد این پرسش‌ها مطرح می‌شود که این گونه پروسه‌های شفاف چرا با مشکل مواجه می‌گردند؟ آیا برگزاری امتحانات از سوی اصلاحات اداری یک کار نمایشی است؟ آیا دست‌ها و گروه‌هایی در سایهٔ رئیس‌جمهور و سایر ادارات با چنین مواردی برخورد منفعت‌جویانه دارند؟ آیا برای اینکه یک فرد مورد نظر در یک بست به دلخواه معین‌ها و مسوولان بلندپایه ادارات قرار بگیرد، امکان دارد که کل یک پروسهٔ انجام‌شده از بین برود؟

یاد شده است. وی خاطرنشان می‌سازد بست‌های مشابهی در دیگر ادارات دولتی دیگر وجود دارند که افراد معرفی‌شده در آن بست‌ها، تخصص مرتبط با وزارت مربوطه را ندارند.

مورد دوم

در مورد دیگر، به تاریخ ۱۳۹۹/۷/۱۵ بست رتبه دوم تحت عنوان ریاست حفظ و مراقبت مربوط دارالانشای ولسی جرگه جهت تشخیص و انتخاب کاندیدای واجد شرایط از طریق کمیسیون اصلاحات اداری به رقابت آزاد سپرده شده بود. مرحله اول و دوم امتحانات الکترونیکی و انتربیو موفق سپری شده و طی مکتوب شماره (۴۲۲۹) بعد از روند استخدام برای بست مزبور از سوی کمیسیون با حضورداشت نماینده با صلاحیت

زهره نوا گزارشگر

عنوان ابلاغ‌نامه‌یی است که از سوی «معاونیت نظارت و حراست از قانون» ادارهٔ امور ریاست جمهوری به کمیسیون اصلاحات اداری مواصلت ورزیده است. جدای از اینکه این عنوان خود از لحاظ نگارش چه مشکلی دارد، اما محتوای چنین مکتوبی، نشان از برخورد و رفتار پرسش‌برانگیز و غیر شفاف در برابر یک روند قانونی دارد که جزئیات آن را در زیر می‌خوانید. چند تن از کاندیداهای بست یک و بست‌های عالی‌رتبه که پرسهٔ کمیسیون اصلاحات اداری را موفقانه سپری کرده، از طرف اداره امور ریاست جمهوری و دیگر ادارات رد شده و یا پاسخ روشنی دریافت نکرده‌اند.

مورد اول

کمیسیون اصلاحات اداری به‌تاریخ۱۳۹۹/۶/۱۷ بست ریاست عمومی مالی و اداری وزارت مخابرات و تکنالوژی معلوماتی را جهت استخدام کارکنان شایسته به اعلان سپرده بود. در این پست ده‌ها تن از داوطلبان اشتراک کرده و در مرحله اول رقابت (امتحان کمپیوتری) را سپری کرده و پنج نفر با بلندترین نمره به دور دوم امتحان (انترویو) راه پیدا کرده بودند که از میان این پنج نفر، محمد اکبر لگزی به سمت ریاست عمومی مالی و اداری وزارت مخابرات راه پیدا می‌کند.

در ابلاغیه نتیجه مصاحبه، به کاندیدای موفق محمد اکبر لگزی در بست اول ریاست عمومی مالی و اداری وزارت مخابرات و تکنالوژی معلوماتی چنین گفته شده که وی کامیاب و با اخذ (۶۹،۵۳) نمره در بست فوق موفق گردیده و از جانب کمیته موظف برندهٔ این بست شناخته شده است. کمیته‌بورد تعیینات خدمات ملکی کامیابی وی را تایید کرده و پیشنهاد استخدام وی را به وزارت مخابرات و تکنالوژی معلوماتی ارسال نموده است.

اسنادی که به دسترس روزنامه راه مدنیت قرار گرفته، نشان می‌دهد که طبق قانون پیشنهاد استخدام محمد اکبر لگزی در بست ریاست عمومی مالی و اداری وزارت تکنالوژی از طرف وزیر مخابرات موافقه و به ریاست جمهوری جهت منظوری ارسال شده است، اما در رابطه به مکتوب پیشنهادی وزارت مخابرات از طرف ادارهٔ امور ریاست جمهوری، معاونیت نظارت و حراست از قانون، ریاست لگزی در بست ریاست عمومی مالی و اداری وزارت تکنالوژی از طرف وزیر مخابرات موافقه و به ریاست جمهوری جهت منظوری ارسال شده است، اما در رابطه به مکتوب پیشنهادی وزارت مخابرات از طرف ادارهٔ امور ریاست جمهوری، معاونیت نظارت و حراست از قانون، ریاست تعقیب تعهدات، هدایات، اوامر، احکام و فرامین در مکتوب ۱۷۲ مورخ۱۴۰۰/۱۱/۱۲ چنین نگاشته شده است:

«جلاثملتاب رئیس صاحب جمهور بعد از ملاحظه پیشنهاد پیرامون تقرر محترم محمد اکبر لگزی به‌حیث رئیس عمومی مالی و اداری وزارت مخابرات و تکنالوژی و معلوماتی، ضمن عدم منظوری پیشنهاد، طی هدایت‌شان چنین فرموده‌اند: نادری صاحب: با موجودیت صدها متخصصین کمپیوتر ساینس این نوع چه مقرر است؟»

ادارهٔ امور و معاونیت نظارت و حراست از قانون این اداره در حالی چنین مکتوب را عنوانی اصلاحات اداری فرستاده که بست مذکور از طرف بورد تعیینات خدمات ملکی به اعلان سپرده شده بود و در شرایط و لایحهٔ وظایف آن ذکر نشده که کاندیدای چنین بستی باید متخصص کمپیوتر ساینس باشد. صرف در بخش مهارت‌های لازم در رابطه به بست اعلان‌شده، آشنایی با مهارت کمپیوتری مرتبط به وظیفه تذکر داده شده است.

بنابراین آیا مشکل از کمیسیون اصلاحات اداری است که شرایط متخصص بودن را ذکر نکرده و یا ادارهٔ امور ریاست جمهوری در ارتباط منظوری شخص مذکور که پروسه را شفاف و موفقانه سپری کرده مشکل دارد؟

وقتی کمیسیون اصلاحات اداری و همچنین وزارت مخابرات نیز موافقت کرده‌اند، پس اگر مشکل در رشتهٔ تحصیلی بوده، چرا پروسه را قانونی طی مراحل کرده‌اند تا آنجا که پیشنهاد منظوری شخص مذکور به ریاست جمهوری ارسال می‌گردد؟

محمد اکبر لگزی باشنده اصلی ولایت بامیان به روزنامه راه مدنیت می‌گوید: من با گرفتن بالاترین نمره از میان ده‌ها داوطلب، برنده این بست شده‌ام و از وزارت مخابرات پیشنهاد من تایید شده است، اما از ریاست جمهوری هیچ مکتوب رسمی برای من نیامده. صرف به صورت شفایی گفته شده که «تو گزینهٔ مناسبی برای این بست نیستی!» محمد اکبر لگزی دارای تحصیلات عالی ماسترم و تجربهٔ کار طولانی در ادارات دولتی است و کدام سابقهٔ جرمی هم ندارد.

محمد اکبر لگزی می‌گوید: من بارها در پرسهٔ امتحانات کمیسیون اصلاحات اداری شرکت کرده‌ام و یازده بار در جمع پنج بهترین قرار گرفتم و هربار بلندترین نمره را کسب کرده‌ام، اما در نهایت به شکل‌های مختلف انتخاب نشدم و در ریزرف قرار گرفتم و کسانی دیگر جاگزین این بست‌ها شدند.

وی در مورد این پرسش که مکتوبی که در آن گفته شده «با موجودیت صدها متخصصین کمپیوتر ساینس این نوع چه مقرر است؟» می‌گوید: وی در مورد این پرسش که مکتوبی که در آن گفته شده «با موجودیت صدها متخصصین کمپیوتر ساینس این نوع چه مقرر است؟» می‌گوید: چنین نکته‌یی اصلا در سه لایحهٔ وظایفی که اصلاحات اداری آن را نشر کرده تذکر داده نشده و صرف از مهارت‌های کمپیوتری مربوط به وظیفه

«خون اهدا کنید تا قلب دنیا به تپیدن ادامه دهد»

زهرا یزدان شناس / کارشناس ارشد حقوق بشر

● خون و فرآورده‌های خونی بی‌خطر و انتقال آنها از جنبه‌های مهم مراقبت و صحت عمومی است که روزانه جان میلیون‌ها انسان را نجات می‌دهند و سلامتی و کیفیت زندگی بسیاری از بیماران را بهبود می‌بخشند. نیاز به خون یک نیاز جهانی است، اما امکان دسترسی به خون، برای همه کسانی که به آن نیاز دارند وجود ندارد. به ویژه در کشورهای در حال توسعه این کمبود بسیار شدید است. روز جهانی اهداکننده خون هر سال در ۱۴ جون برگزار می‌شود. هدف از این بزرگداشت این است که آگاهی جهانی در مورد نیاز به خون و فرآورده‌های خونی بی‌خطر افزایش یابد و افراد در جوامع مختلف از اهمیت انتقال خون و از سهم حیاتی اهدای خون داوطلبانه آگاه شوند.

همچنین در سیستم‌های صحتی ملی، امکان این اقدام داوطلبانه به بهترین نحو ایجاد شود. این روز همچنین فرصتی را فراهم می‌کند تا به دولت‌ها و مقامات صحتی ملی برای تأمین منابع کافی و ایجاد سیستم‌ها و زیرساخت‌ها برای افزایش جمع‌آوری خون از اهداکنندگان خون داوطلبان اطلاع‌رسانی شود.

توجه کشورها به این نکته حایز اهمیت است که امکانات این مجموعه طوری طراحی و مدیریت شود که ضمن تشویق افراد برای اهدای خون، شرایط استفاده صحیح و اصولی از این خون‌ها و تولید فرآورده‌های خونی بی‌خطر و ایمن نیز فراهم گردد.

با بزرگداشت این روز و اطلاع‌رسانی وسیع در این روز توسط رسانه‌های مختلف، آگاهی عمومی از نیاز به خون ایمن و فرآورده‌های خونی افزایش پیدا می‌کند و لازم است از همه اهداکنندگان خون که به صورت داوطلبانه و بدون دریافت هزینه خون اهدا می‌کنند برای این هدیه نجات‌دهنده زندگی تشکر شود.

میلیون‌ها نفر در سراسر جهان در این کار انسان‌دوستانه مشارکت و با اهدای خون خود، برای نجات جان‌های بی‌شماری اقدام می‌کنند. با این حال، هنوز بسیاری از مردم در کشورهای مختلف در اهدای خون مردد هستند و به باورهای غلطی که در مورد اهدای خون وجود دارد اهمیت می‌دهند.

در افغانستان علاوه بر افرادی که به‌علت بیماری به خون یا فرآورده‌های آن نیاز دارند افرادی بسیاری به خاطر وجود منازعات داخلی و ناامنی‌های موجود به صورت فوری به خون و محصولات آن نیاز پیدا می‌کنند.

در چنین فضایی و با وجود چنین نیازی، افزایش آگاهی در مورد اهدای خون و آگاهی بیشتر مردم از نتایج آن که نجات جان میلیون‌ها انسان است از اهمیت بالایی برخوردار است.

فرآیند اهدای خون در عین حال که ساده و بی‌زحمت است، وقت‌گیر نیست و می‌تواند یک یا بهتر است بگویم چندین زندگی را نجات دهد. این عمل جدا از اینکه اقدامی انسان‌دوستانه و اخلاقی است، بر اساس آموزه‌های دینی و اهمیت اعمالی که به نجات جان آدم‌ها منتهی می‌شود می‌تواند به عنوان یک خیر دینی هم تلقی شود. لازم است که افراد متخصص در امور دینی در جهت افزایش آگاهی عمومی و از بین بردن باورهای غلط در این مورد اهتمام ورزند و راه را برای نجات جان‌های بیشتری باز کنند.

برای اطمینان از دسترسی هرکسی که به خون بی‌خطر نیاز دارد، همه کشورها به اهداکنندگان داوطلب که مرتب خون بدهند نیاز دارند.

در سال گذشته، جهان درگیر پاندمی کرونا بود و تردها و ارتباط‌ها محدود شده بود و در واقع حضور در فضای بیرون از خانه، چالش در مورد سلامتی بود، اما افراد بسیاری در سراسر دنیا به اهدا خون همت گمارده‌اند.

در واقع گرفتاری همگان در یک بیماری عمومی، این نتیجه انسانی را با خود به همراه داشته است که افراد زیادی به گرفتاری و بیماری دیگر هم‌نوعان خود توجه کنند و روحیه همکاری و همراهی برای کاهش از رنج آنها در زندگی تداوم پیدا کرده است. این تلاش خارق‌العاده در زمان بحران بی‌سابقه پاندمی کرونا، انسان‌دوستی اهداکنندگان خون داوطلبانه که به نجات جان افراد دیگر متعهد هستند را بیش از پیش، پررنگ می‌کند.

انجام وظیفه انسانی این افراد در حصول اطمینان از خون‌رسانی ایمن و کافی در زمان‌های عادی و اضطراری نشان می‌دهد که با وجود جنبه‌های تاریک زندگی بشر امروز، هنوز اخلاقیات و ارزش‌ها، پایدار هستند و دنبال‌کنندگان خود را دارند. ارزش‌هایی که می‌توانند چراغی برای بیرون‌رفت از روزهای تاریک زندگی بشر در قرن پیش رو باشند.

این روحیه در افغانستان هم به وضوح و به کرات مشاهده می‌شود. با آنکه جهل و قساوت قلب افرادی، هر روز در گوشه‌هایی از کشور، عده‌هایی از افراد بی‌گناه را در خون خود می‌غلتاند، افرادی هستند که با اهدای خون خود به دیگران زندگی می‌بخشند.

برای جامعه‌هایی مثل افغانستان که هر روز با خبرهای غمگین کشت و کشتار درگیر است بزرگداشت چنین روزهایی و اطلاع‌رسانی عمومی آن می‌تواند در ایجاد روحیه مثبت و همکاری برای ساخت دیگر جنبه‌های مثبت زندگی، موثر و کارآمد باشد.

این شعار برای روز جهانی اهداکننده خون، سال ۲۰۲۱ در نظر گرفته شده است: «خون اهدا کنید تا قلب دنیا به تپیدن ادامه دهد.» در این پیام، بر نقش مهمی که اهداکنندگان خون در نجات دادن جهان با نجات جان و بهبود سلامت دیگران دارند، تأکید شده است. این پیام، درخواست جهانی از مردم سراسر جهان برای اهدای خون به‌طور منظم، کمک به سلامتی افراد نیازمند به خون و محصولات آن را تقویت می‌کند.

تمرکز ویژه در بزرگداشت امسال، نقش جوانان در اطمینان از تأمین خون سالم خواهد بود. در بسیاری از کشورها، جوانان پیش‌تاز فعالیت‌ها و ابتکاراتی بوده‌اند که هدف آنها تأمین خون سالم از طریق اهدای خون داوطلبانه است.

جوانان بخش زیادی از جمعیت را در بسیاری از جوامع تشکیل می‌دهند و به‌طور کلی مملو از ایده‌های کمال‌گرایانه، اشتیاق و خلاقیت هستند.

● قبل از بحران کرونا، دولت هند در زمینه جذب کودکان به مکتب تلاش‌های زیادی انجام داد تا تمام کودکان دسترسی به مکتب داشته باشند. خوشبختانه این تلاش‌ها ۸۰ تا ۹۰ درصد تأثیر مثبت داشت، اما بعد از همه‌گیری بحران کرونا سیستم‌های آموزشی در هند دچار مشکلات زیادی شد که سبب ایجاد شکاف‌های عمیق در روند آموزش این کشور گردید.

از همه‌گیری بحران کرونا سیستم‌های آموزشی در هند دچار مشکلات زیادی شد که سبب ایجاد شکاف‌های عمیق در روند آموزش این کشور گردید.

برخی از مطالعات نشان می‌دهد که در حدود ۹۰ درصد از دانش‌آموزان مهارت‌های خواندن و نوشتن و در حدود ۸۵ درصد آنان آنچه سال قابل آموخته بودند را فراموش کرده‌اند.

خانم ماتور به عنوان یک کارشناس آموزش پیشنهاد کرد که بیشتر روی رفا و سلامت روان کودکان کار صورت بگیرد تا توجه بر روند آموزش. بیشتر و بیشتر

می‌گیرند تا کودکان‌شان به مکتب نروند.

او همچنان افزود که با وجود شیوع ویروس و آسیب‌های آن، چند عامل دیگرهم است که مستقیم یا غیر مستقیم روی سیستم آموزشی در افغانستان تأثیرگذار است. هنوز بخش زیادی از شهروندان افغانستان به اینترنت قابل اعتماد دسترسی ندارند و دسترسی به برق مشکل اساسی بسیاری از شهرها و روستاهاست.

هم اکنون تنها ۳۰ درصد از نفوس افغانستان دسترسی به برق دارند. با درنظرداشت این چالش‌ها آسیب‌هایی که ویروس کرونا بر سیستم آموزشی وارد

بیماری واگیر کرونا و تاثیر آن بر سیستم‌های آموزشی

● سینا روش

● نزدیک به دو سال است که بیماری واگیر کرونا بشر امروز را در هر گوشه جهان متاثر ساخته است. امروزه ویروس کووید-۱۹ سبب شده است که نظام‌های آموزشی، اقتصادی و حتا زندگی اجتماعی در تمامی کشورهای جهان دچار اختلال شود.

یکی از بخش‌های مهمی که در تمامی جهان تحت تأثیرات منفی بیماری کرونا قرار گرفته، نظام‌های آموزشی و نهادهای آموزشی است. امروزه به سبب واگیری بیماری کرونا، مکتب و نهادهای آموزشی در بیشترین کشورهای جهان تقریباً تعطیل شده است. کرونا در نزدیک به دو سال پسین یک چالش بزرگ و جدی برای نظام‌های آموزشی جهان بوده است.

پس از شیوع و گسترده‌گی بیماری کرونا در جهان، اکثر دولت‌ها موقتاً تصمیم به تعطیلی نهادهای آموزشی گرفتند و تصور کشورها بر این بود که این بیماری زودگذر خواهد بود، اما امروزه که نزدیک به دو سال از واگیری این بیماری می‌گذرد و تحقیقات انجام شده در این زمینه نشان داده است که این بیماری به این زودی‌ها هم ناپود شدنی نیست، کشورهای جهان می‌باید برای نظام‌های آموزشی‌شان طرح‌ها و راه‌های بدیل را در نظر بگیرند.

به اساس آمارهای رسمی پس از شیوع بیماری کرونا-جنوری ۲۰۲۱ تا اکنون حدود ۸۲۵ میلیون دانش‌آموز در سراسر جهان به نسبت تعطیلی مکتب تحت تأثیر قرار گرفته‌اند.

همچنان به اساس یافته‌ها و نظارت یونسف بر سیستم‌های آموزشی جهان در جریان واگیری کرونا، در حال حاضر ۲۳ کشور تعطیلات سراسری و ۴۰ کشور دیگر تعطیلات محلی اعلام کرده‌اند. به اساس یکی از تحقیقات معتبر، ویروس کووید-۱۹ هم اکنون حدود ۴۷ درصد از جمعیت دانش‌آموزان جهان را تحت تأثیر قرار داده است.

پس از شیوع کرونا در جهان، نهادهای آموزشی ناگزیر به طرح و عملی‌سازی روش‌های تدریس از راه دور شدند که برخی از این روش‌ها کارآتر و برخی هم نتیجه آن‌چنانی نداشته که این خود به یک چالش جدی در عرصه آموزش در جهان امروز بدل شده است.

در کشورهای جنوب آسیا با توجه به وضعیت و امکانات آموزشی جمعیت قابل توجهی از کودکان به مکتب نمی‌روند و در نتیجه از آموزش باز می‌مانند. براساس گزارش اخیر بانک جهانی، کشورهای جنوب آسیا به دلیل تعطیلی مکتب، به ارزش بیشتر از ۶۲۲ میلیارد دلار پول حمایتی را از دست داده‌اند که این آمار درشت و قابل ملاحظه‌یی در حوزه آموزش و پرورش است.

در اوج شیوع ویروس تعطیل مکتب در اپریل ۲۰۲۰، ۹۴ درصد دانش‌آموزان ۱٫۶ میلیارد کودک در سراسر جهان از آموزش بازمانده‌اند.

به همین سبب برخی از نهادهای آموزشی و تحقیقی برای رفع مشکل پیش‌آمده راه‌های حل کوتاه‌مدتی طرح و تشخیص کردند تا بتوانند برای مسوولان نهادهای آموزشی سازوکارهایی پیشنهاد کنند که نیازهای دانش‌آموزان را در هر سطح و رشته تحصیلی برطرف کنند.

مرکز جامعه معدنی-هند (CPS) با مشارکت بنیاد فریدرک نومان-آلمان با درک نیک این مهم، بر آن شد تا کشورهای منطقه با توجه به اشتراکات زیست-محیطی و فرهنگی که دارند، تجربیات‌شان را در پیوند به تنظیم سیستم آموزشی در جریان شیوع کرونا و قرنطین با هم به اشتراک بگذارند تا راه‌های بهتر و امکان‌های راحت‌تری را برای ارایه آموزش جستجو کنند.

این دو نهاد نشست مجازی (Webinar) را با کارشناسان بخش آموزش جنوب آسیا برگزار کرد. در این نشست دکتر مونا ماتور؛ بنیانگذار بنیاد اسپارک (Spark) - هند، آقای عبدالله احمدزی، نماینده کشوری دفتر جامعه باز - افغانستان و آقای ساکار پوداسینی مربی و کارشناس آموزش-نیپال حضور یافته و روی معضل پیش‌آمده در حوزه آموزش در آسیای جنوبی و راه‌های حل آن بحث و تبادل نظر کردند.

آقای احمدزی در این نشست در پیوند به وضعیت آموزشی در افغانستان و تجربیات این کشور گفت که بر اساس تحقیقات اخیر یونسف، از میان ۳۵ تا ۴۰ میلیون نفوس افغانستان، تقریباً ۴۷٫۸ درصد آن را کودکان تشکیل می‌دهد و از این میان ۳٫۷ میلیون کودک افغان به مکتب دسترسی ندارند که ۶۰ درصد از آن‌ها دختران هستند. همچنین در برخی از روستاها خانواده‌ها بیشتر به دلیل اوضاع امنیتی تصمیم

FRIEDRICH NAUMANN FOUNDATION For Freedom. South Asia

Centre for CIVIL SOCIETY Social Change Through Public Policy

RE:START 21

EDUCATION IN PANDEMIC: FULFILLING LEARNING GAP AMONG STUDENTS

FRIDAY, JUNE 11, 2021 17:00-18:30 HOURS (IST)

DR. MONA MATHUR
Founder and CEO, Million Sparks Foundation, India

MR. SAKAR PUDASAINI
Technologist and Educator, Nepal

MR. ABDULLAH AHMADZAI
Country Representative, The Asia Foundation, Afghanistan

ROSHAN GANDHI
Chief Executive Officer, City Montessori School, India

PANELIST **PANELIST** **PANELIST** **MODERATOR**

For More Information: <https://www.freiheit.org/south-asia> Delhi Office: +91 11-41688149/50-41359174 southasia@freiheit.org

از اینکه ما در پی احیای شکاف‌های ایجادشده در سیستم آموزشی باشیم، باید به این تمرکز کنیم که چطور سلامت روان کودکان‌مان را تقویت کنیم تا آنچه از دست داده‌اند را درک کنند.

راه حل مکتب و نقش نهادهای آموزشی

● کارشناسان نه تنها در مورد چالش‌ها رایزنی کنند؛ بل سعی کنند تا راه‌های حل عملی مطابق به شرایط و امکانات کشوری خود نیز داشته باشند.

● برای کاهش آمار کودکان بازمانده از مکتب باید به معلمان آموزش داده شود تا آنها قادر به مقابله با وضعیت روانی کودکان باشند و در نهایت شرایط تغییر کند.

● تمرکز اصلی باید روی شادی و رفاة کودکان باشد.

● فقدان تحصیلی به صورت مرحله‌یی از بین برده شود.

● معلمان باید والدین و جامعه را در تمامی روند آموزش و پرورش دخیل کنند.

● مکتب باید برنامه‌های موثری برای همه کودکان طراحی کنند تا کسانی که دسترسی دیجیتالی هم ندارند از برنامه‌های آموزشی توسط ارسال فایل و راه‌های دیگر مستفید شوند. معلمان باید با کودکان و خانواده‌ها تماس داشته باشند و از این که کودکان فعالیت‌های آموزشی را انجام می‌دهند، مطمئن شوند.

● دولت افغانستان با استفاده از تلویزیون صنف‌های آزاد را ترتیب داده که این یک روش موثر تشخیص شده و این راه کار خوبی برای دیگر کشورها نیز خواهد بود.

● در صورت به دسترس بودن اینترنت، ایجاد نرم‌افزارهای ویژه و صنف‌های آنلاین و در غیر آن استفاده از فلش و سی‌دی نیز می‌تواند راه حل خوبی باشد که بیشترینه نهادهای آموزشی خصوصی در افغانستان نیز از همین روش کار گرفته‌اند.

کرد، از شروع ۲۰۲۰ تا اکنون تمام نهادهای آموزشی بیشتر از یک سال تعلیمی تعطیل بوده‌اند. تمام آزمون‌ها به شمول کانکور به تعویق افتاد. نهادهایی که پروژه‌های آموزشی را راه‌اندازی می‌کردند، به شمول جامعه باز به‌خاطر راه‌اندازی برنامه‌های‌شان با چالش‌های قابل توجهی رو به رو هستند. تنها کارکنان ارشد این نهادها توانستند از خانه کار کنند. همچنین نهادهای خصوصی آموزشی با دولت به منازعه شدند تا اجازه فعالیت برای‌شان داده شود و یا هم حمایت مالی دریافت کنند.

در ادامه این نشست آقای ساکار-نیپال نیز ضمن تأیید چالش‌های مشابه و موازی در کشورهای منطقه اضافه کرده که در نیپال سکتورهای آموزشی با مشارکت نهادهای دولتی و خصوصی پیش می‌رود. بر اساس گزارش یونسف ۲۰ درصد از کودکان به دلایل مختلف به مکتب نمی‌روند. یعنی به هیچ نوع امکان آموزشی دسترسی ندارند و متأسفانه کدام آمار دقیق وجود ندارد که نشان بدهد چه آسیب‌های را ویروس کرونا به نظام آموزشی نیپال وارد کرده است، اما هنوز هم توقع می‌رود که نهادهای آموزشی دوباره فعال شود. البته بدون اینکه به پیامدها و چالش‌های آن فکر کنند.

خانم ماتور-هند نیز در پیوند به روش‌های آموزشی در جریان

شیوع ویروس کرونا در هند صحبت کرده گفت که در هند حدود ۲۵۰ میلیون کودک مکتب‌رو وجود دارد که صرف برای ۴۰ میلیون آنان زمینه رفتن به مکتب مهیاست.

قبل از بحران کرونا، دولت هند در زمینه جذب کودکان به مکتب تلاش‌های زیادی انجام داد تا تمام کودکان دسترسی به مکتب داشته باشند. خوشبختانه این تلاش‌ها ۸۰ تا ۹۰ درصد تأثیر مثبت داشت، اما بعد

● آقای احمدزی در این نشست در پیوند به وضعیت آموزشی در افغانستان و تجربیات این کشور گفت که بر اساس تحقیقات اخیر یونسف، از میان ۳۵ تا ۴۰ میلیون نفوس افغانستان، تقریباً ۴۷٫۸ درصد آن را کودکان تشکیل می‌دهد و از این میان ۳٫۷ میلیون کودک افغان به مکتب دسترسی ندارند که ۶۰ درصد از آن‌ها دختران هستند. همچنین در برخی از روستاها خانواده‌ها بیشتر به دلیل اوضاع امنیتی تصمیم می‌گیرند تا کودکان‌شان به مکتب نروند.

حقوق پناهندگان در نظام بین‌المللی حقوق بشر



اسدالله پورنماز

کارشناس حقوق بشر / قسمت هفدهم

۲- پیمان شکنن: توافق‌نامه شکنن در سال ۱۹۸۵ در لوکزامبورگ از سوی بلجیم، فرانسه، آلمان غربی، هالند و لوکزامبورگ به امضا رسید.

تمام کشورهای اتحادیه اروپا بجز بریتانیا و ایرلند وارد این توافق‌نامه شده‌اند. در حال حاضر ۲۶ کشور عضو این توافق‌نامه هستند.

این ۲۶ کشور عبارت‌اند از: اتریش، بلجیم، جمهوری چک، دنمارک، استونی، فنلاند، فرانسه، آلمان، مجارستان، ایسلند، ایتالیا، لتونی، لیتوانی، لوکزامبورگ، مالت، هالند، ناروی، لهستان، پرتغال، اسلواکی، اسلونی، اسپانیا، سوئد و سوییس.

پیمان شکنن به لحاظ اقتصادی برای اروپایی‌ها بسیار پراهمیت است. ماده ۳۰ پیمان شکنن پیش‌بینی می‌کند که دولت مسوول برای رسیدگی به یک درخواست پناهندگی دولتی است که متقاضی پناهندگی یا خانواده او در سرزمین آن زندگی می‌کرده یا دولتی که برای متقاضی پناهندگی اجازه اقامت یا رواند ورود نموده یا بدون صدور رواند اجازه ورود صادر کرده و یا دولتی که متقاضی پناهندگی حتی به‌صورت غیرقانونی نخستین‌بار به سرزمین آن وارد شده است. در این حالت متقاضی پناهندگی از طرح درخواست خود نزد چندین دولت عضو به‌طور پیاپی یا همزمان منع خواهد شد. قطع‌نامه تامپر مصوب شورای اروپا در سال ۱۹۹۹ یکی از اسناد دیگر اروپایی است که در مورد حمایت از پناهندگان می‌باشد.

ج- اسناد امریکایی در مورد حقوق پناهندگان

نخستین سند مشهور امریکایی در مورد پناهندگان که پس از کنوانسیون ۱۹۵۱ به تصویب رسید بنام پیمان «کاستاریکا» می‌باشد. این سند در سال ۱۹۶۹ میلادی در سن خوزه کاستاریکا تهیه و تصویب شد. کاستاریکا یکی از کشورهای امریکای مرکزی می‌باشد. در ماده هفتم این سند تصریح شده است که «هر شخص حق پناهندگی و پذیرفته‌شدن به‌عنوان پناهنده در یک سرزمین خارجی را بر اساس قوانین دولت پذیرنده و کنوانسیون‌های بین‌المللی دارد البته به شرطی که به دلیل اقدامات سیاسی یا اعمال مرتبط با آن مورد تعقیب قرار داشته باشد.»

امریکای مرکزی در سال ۱۹۸۴ «اعلامیه کارائنا در مورد پناهندگان» را به تصویب رساند. در این اعلامیه توصیه شده بود رهیافت کلاسیک به تعریف پناهنده بایستی گسترش یافته و علاوه بر تعاریف کنوانسیون ۱۹۵۱ و پروتوکول ۱۹۶۷ به صورتی درآید که «افرادی که به دلایل خشونت عمومی، تجاوز خارجی، جنگ داخلی، نقض عمومی حقوق بشر و یا شرایطی که نظم عمومی را شدیداً برهم زند، جان، امنیت و آزادی شان در معرض تهدید واقع شود» را نیز دربرگیرد.

هرچند این اعلامیه برای هیچ کشوری الزام‌آور نبوده و به‌عنوان یک منبع حقوق بین‌الملل شمرده نمی‌شود، لیکن در عین حال مبین این واقعیت است که حداقل در امریکای مرکزی نیاز به توسعه مفهوم پناهندگی احساس می‌شود.

د- کانادا

کانادا به عنوان یکی از کشورهای پناهنده‌پذیر مطرح بوده و سالانه پناهجویان زیادی در این کشور درخواست پناهندگی می‌دهند. کشور کانادا یکی از امضاکنندگان کنوانسیون امور پناهندگان ۱۹۵۱ سازمان ملل متحد می‌باشد.

قانون ملی کشور کانادا تحت عنوان «قانون حمایت از مهاجران و پناهندگان» می‌باشد که در نوامبر ۲۰۰۱ تعدیل گردید و تا کنون همان قانون لازم‌الاجرا می‌باشد. این قانون در ۲۷۵ ماده تهیه شده و یکی از قوانینی است که تلاش شده معیارهای اساسی و عملی برای رعایت حقوق بشری مهاجران و پناهندگان در نظر گرفته شود.

ه- استرالیا

کشور استرالیا یکی دیگر از کشورهای پناهنده‌پذیر است و عضو کنوانسیون ۱۹۵۱ می‌باشد. قانون داخلی استرالیا تحت عنوان «قانون مهاجرت» می‌باشد که در سال ۱۹۵۸ در آن کشور نافذ گردیده است. این قانون در ۲۲ سپتامبر ۲۰۱۷ تعدیل گردید و برخی محدودیت‌ها در قسمت پذیرش مهاجران ایجاد شد. قانون مهاجرت استرالیا در مجموع به دو کته‌گوری بخش دریایی و بخش ساحلی تقسیم می‌شود. مهاجرانی که از طریق دریا وارد استرالیا می‌شوند و مهاجرانی که در سواحل تقاضای پناهندگی دارند در بخش‌های جداگانه قابل بررسی است.

در سال ۲۰۱۷ در اثر تعدیل قانون مهاجرت، برای پذیرش مهاجرت از طریق دریا محدودیت‌های جدی ایجاد گردیده است. قانون مهاجرت استرالیا دارای جزئیات زیاد بوده و تمام موضوع پناهندگی و مهاجرت را با جزئیات بحث نموده است.

این قانون دارای ۵۰۷ ماده است و علاوه از این قانون، برخی فورم‌های مخصوص دیگر را نیز دارد که هر پناهجو مکلف به خانه‌پری آن است.

یکی از فورم‌های مهم حاوی معلومات عمومی راجع به شخص درخواست‌دهنده می‌باشد، فورم «۶۸۱» است. این فورم مخصوص حمایت‌های بشردوستانه برای کسانی است که به عنوان پناهنده بشردوستانه شناخته می‌شوند.

آسیب‌های اجتماعی؛ دلایل و عوامل

خرده نظام سیاسی که وظیفه آن اداره جامعه، تخصیص منابع، برقراری و حفظ امنیت است، نماینده مردم برای دست‌یابی به اهداف جمعی است

● **دکتر علی نوری** جامعه‌شناس، استاد دانشگاه و پژوهشگر

● **دکتر علی نوری؛ جامعه‌شناس، استاد دانشگاه و پژوهشگر**
آسیب اجتماعی به معنای آسیب دیدن بخش‌هایی از جامعه است؛ همان گونه وقتی قسمتی از بدن یک فرد دچار عارضه می‌شود کارایی فرد را کاهش می‌دهد؛ در جامعه نیز زمانی که عده‌یی از افراد درگیر آسیب‌هایی مانند اعتیاد، طلاق، حاشیه‌نشینی، بی‌اعتمادی، پرخاشگری، فساد، خودکشی و بی‌خانمانی می‌شوند، آن جامعه به آسیب اجتماعی دچار شده و کارایی خود را برای توسعه مادی و معنوی و رفاه شهروندان از دست می‌دهد. آنچه اهمیت دارد بررسی دلایل و عوامل به وجود آورنده این آسیب‌ها و شناخت آنهاست، زیرا تنها در این صورت است که می‌توان برای از بین بردن آنها برنامه‌ریزی و اقدام کرد. جامعه دارای اجزای مختلفی است و هر جز به‌دنبال برآورده کردن بخشی از نیازهای جمعی است. جامعه را می‌توان به چهار خرده نظام اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و سیاسی تقسیم کرد. درباره نظام اقتصادی می‌توان گفت: عملکرد اقتصاد باید چنان باشد که همه افراد و گروه‌های اجتماعی از سطح مطلوب مادی برخوردار باشند و برخوردار نبودن گروه‌های زیادی از جامعه از مایحتاج زندگی نشانه اختلال و ناکارآمدی نظام اقتصادی است.

زمانی که بستریهای معمول و مشروع اقتصادی که اساساً

مبتنی بر کسب درآمد از طریق انجام کار است، برای برآوردن نیازهای مادی اعضا جامعه کافی و کارآمد نیست آن دسته از افراد که امکان استفاده از رویه‌های نامشروع را ندارند و یا اخلاق‌مدار هستند، ناگزیر به فقر دچار می‌شوند. پیامد فقر نیز معمولاً دزدی، خشونت، زورگیری، اعتیاد و قاچاق است و خود سبب افزایش ثروت‌های نامشروع، اختلاس، ربا و فساد مالی و اداری می‌شود.

نظام بعدی مورد بررسی، نظام اجتماعی است. این نظام به روابط، تعاملات، کنش‌های متقابل، نهادها و گروه‌های اجتماعی می‌پردازد. هدف نظام اجتماعی، حفظ انسجام، همبستگی و روحیه جمعی است. افراد هر جامعه‌یی نیازمند احساس تعلق جمعی

هستند و این احساس به شکل‌گیری شخصیت فرد کمک می‌کند، فقدان حس تعلق جمعی ممکن است فرد را به انواع آسیب‌های اجتماعی دچار نماید.

امروزه، پیوندها و تعلقات قدیمی رو به نابودی است، احساس تعلق به محله، قوم، قبیله و نظایر آن به شدت کم‌رنگ و تعاملات اجتماعی تضعیف شده است. مساجد، زورخانه‌ها، قهوه‌خانه‌ها و سایر فضاهای سنتی اجتماعات محلی که نیاز انسان را به روابط اجتماعی برآورده می‌کردند، دیگر این کارکرد را ندارند. مردم دچار تنهایی و انزوا هستند و نهادهای اجتماعی را به عنوان یک دشمن مقابل خود تصور می‌کنند.

فشارهای اقتصادی و آشفته‌گی فرهنگی شکل‌گیری گروه‌های اجتماعی را ناممکن کرده است، افراد صرف محدود به روابط خانوادگی شده‌اند، انسان امروزی آمیزه است؛ یعنی نسبت به جامعه و گروه اجتماعی خاصی

احساس تعلق ندارد، تنها خودش را در نظر می‌گیرد و خودمدار و به دنبال منافع شخصی است. این وضعیت ایجادکننده زمینه پدید آمدن بسیاری از آسیب‌های اجتماعی است. آسیب‌هایی همچون ضعف فرهنگ کار جمعی، رعایت نکردن حقوق افراد در رسانه‌ها، رعایت نکردن حقوق متقابل در روابط اجتماعی و عدم رعایت الزامات آپارتمان‌نشینی از جمله این موارد است.

در شرایط آشفته‌گی اجتماعی، شکل‌گیری گروه‌های محدود نیز بر حجم مشکلات می‌افزاید. زمانی که تعاملات اجتماعی محدود و گفتگوهای متقابل محدود است، گروه‌های جدا از هم شکل می‌گیرند که به سبب عدم تعامل با یکدیگر، دچار تضاد و تخاصم می‌شوند. هر گروه خود را حق مطلق و دیگری را ناحق می‌داند و نزاع گسترش می‌یابد. در واقع، شکل‌گیری گروه‌های اجتماعی در چنین جامعه‌یی، به‌معنای بازتولید الگوی خودمداری در قالب گروه‌مداری و فرقه‌مداری است. تضاد پنهان و آشکار میان خرده فرهنگ‌ها، نسل‌ها و طبقات اجتماعی در جوامع کنونی در همین راستا قابل تحلیل و تأمل است. از ویژگی‌های دیگر نظام اجتماعی، ضعف اعتماد اجتماعی است. به ویژه شهرهای بزرگ که در آنها امکان آشنایی نزدیک با همگان وجود ندارد، ضرورت دارد تعاملات بر پایه حداقلی از اعتماد اجتماعی انجام شوند.

ما در زندگی روزمره با افراد زیادی مواجه می‌شویم که آنها را نمی‌شناسیم و با آنها در قالب نقشی که دارند روبه‌رو می‌شویم؛ از قبیل راننده تاکسی، فروشنده، کارمند اداره و سایر افرادی که به دلیل رفع احتیاجات روزمره ناچار به مواجهه با آنها هستیم.

لازم است به راننده تاکسی اعتماد داشته باشیم که ما را به مقصدی که می‌خواهیم خواهد برد و کرایه عادلانه از ما خواهد گرفت، به فروشنده اعتماد داشته باشیم که کالای سالم را به قیمت عادلانه به ما تحویل می‌دهد و کارمند دولتی کارش را درست انجام خواهد داد. نزاع‌ها و درگیری‌هایی که در موارد بالا به طور روزمره مشاهده می‌کنیم نشان از تزلزل جدی بنیان‌های اعتماد اجتماعی است و تنش‌های روانی و اجتماعی را در بین شهروندان افزایش می‌دهد. در ادامه خرده نظام‌های فرهنگی و سیاسی مطرح خواهند شد.

فرهنگ به وجه نمادین و معنایی پدیده‌های اجتماعی اشاره دارد؛ بنابراین ارزش‌ها، الگوهای رفتاری، گرایش‌ها و نگرش‌های افراد یک جامعه تشکیل‌دهنده خرده نظام فرهنگی آن هستند. فرهنگ به پدیده‌های اجتماعی و زندگی فردی و اجتماعی انسان‌ها معنا می‌بخشد. درست یا نادرست و خوب و بد را فرهنگ معین می‌کند. اصول مشترک فرهنگی همان ارزش‌های مشترک بین افراد یک جامعه است که آنها را به هم پیوند می‌دهد.

ارزش‌های فرهنگی، راهنمای افراد جامعه برای فکر و عمل مشترک و تفسیر مشترک آنها از زندگی و جهان است. هر جامعه باید از فرهنگ با ویژگی‌هایی که مطرح شد، برخوردار باشد. در غیر این صورت اجتماعی از افراد متفرق است، اگر اصول فرهنگی مشترک در جامعه وجود نداشته باشد امکان تعامل و گفتگو میان کنش‌گران فردی و جمعی از بین می‌رود؛ زیرا لازمه گفتگو، دریافت ذهنی

● **اگر اصول فرهنگی مشترک در جامعه وجود نداشته باشد امکان تعامل و گفتگو میان کنش‌گران فردی و جمعی از بین می‌رود؛ زیرا لازمه گفتگو، دریافت ذهنی مشترک است یک هسته فرهنگی مشترک این تنوعات را زیر چتر خود گرد آورد. فقدان این محور قانونی، جامعه را به سمت گسست فرهنگی و اجتماعی و تعارض و نزاع بین خرده فرهنگ‌ها سوق می‌دهد.**



وقتی زنان با طعنه‌های جنسیتی تحقیر می‌شوند



عادلۀ زمانی

نمی‌دانم برای شما رخ داده یا نه که شاهد دعوا و جنجال دو مرد بوده باشید، دعوایی که می‌تواند به راحتی به خشونت فیزیکی بینجامد، اما اگر این چنین نباشد در بهترین حالت به خشونت کلامی ختم خواهد شد.

در این دست جنجال‌های مردانه، اولین اصل نانوشتۀ خشونت و دست برتر داشتن دشنام و هتاکی به زنان وابستۀ طرف مقابل است؛ زنانی که احتمالا در آن لحظۀ خاص در آن مکان حتی حضور ندارند، ولی فقط به دلیل نسبت فامیلی با فردی که مورد غضب است به فیجع ترین شکل ممکن مورد فحاشی و هتک حرمت قرار می‌گیرند.

در این چنین جنجال‌های مردانه‌یی، تا دل‌تان بخواهد مادران و خواهران، همسران و گاهی دختران طرفین دعوا مورد توهین قرار می‌گیرند و یا به ایشان اتهام فساد و فحشا زده می‌شود.

تمام این‌ها به آن جهت است که این زنان ناموس محسوب می‌شوند و برای خط و نشان کشیدن و سرچا نشانیدن رقیب جنگی تحقیر جنسی آنها وسیله خوبی است. این البته اولین و آخرین نمونه تحقیر جنسی به‌ویژه تحقیر کلامی جنسی زنان در جامعه نیست و متأسفانه در تمام طبقات و اقشار جامعه حتی طبقات بالادست و اقشار تحصیل کرده به وضوح دیده می‌شود. در محیط‌های کاری، زنانی که بتوانند پیشرفت‌های قابل توجه شغلی به‌دست آورند و یا به‌ویژه از رقیبان مرد خود پیشی گیرند، بدون استثنا در جمع‌های خصوصی و یا حتی عمومی به استفاده از حربه‌های جنسی برای دست یافتن به ارتقای رتبه متهم می‌شوند.

به شکلی که تلاش و یا هوش این زنان به‌طور قطع در سایه این اتهامات مدفون می‌گردد. صرف نظر از اینکه برخی زنان واقعا از جذابیت‌های جنسی برای دست یافتن به مقاصد خود بهره نادرست می‌برند اما با این وجود باز هم نمی‌توان این موضوع را عمومی دانست و تمام زنان موفق را از این فلتز عبور داد.

جنسیت و عمل جنسی در طول تاریخ بشر همواره موضوعات بحث‌برانگیز و پرچالشی بوده است. جوامع مختلف نحوه برخورد با این دو سرفصل مهم زندگی بشری را طی سال‌ها به اشکال مختلف مورد بازیابی و تغییر قرار دادند، اما این مهم در جوامع پیشرفته بسیار متفاوت‌تر از جوامع سنتی رخ داده است.

زنان در جوامع سنتی با دو چالش عمده اعتقاد به برتری جنسیتی و فرهنگ قدرت‌مابانۀ جنسی مردانه مواجه هستند. دو چالش متفاوت اما تقریبا همگن که تغییر و اصلاح هر کدام از آن‌ها ممکن است سال‌های زیادی در بر بگیرد.

ایمان به برتری جنسیتی موضوع جدیدی نیست و بارها در طول تاریخ بشر مورد نقد و گفتگو قرار گرفته است. موارد بسیاری در تاریخ گواه وجود این عقیده در جوامعی است که بنیان‌گذاران علم، قانون، فلسفه، هنر و حتی مذاهب در آن مردان بوده‌اند. مردانی که نه صرف به دلیل برتر بودن؛ بل به دلیل اجازه نداشتن زنان برای حضور پایاپای با آنان در جامعه به این برتری دست یافته‌اند.

نداشتن حق رای، نداشتن حق تحصیل، نوشتن زنان با نام‌های مستعار مردانه در نشریات، قرار دادن زنان از لحاظ قانونی در مقام جنس دوم صرف به دلیل زن بودن تنها مواردی از هزاران نمونه‌یی است که وجود برتری جویی جنسیتی مردان علیه زنان در طول تاریخ را به اثبات می‌رساند.

اما از دیگر روی چالش مهم‌تر و تا حدی کمتر مورد توجه گرفته‌شده جوامع سنتی در برخورد با زنان تحقیر کلامی جنسی زنان می‌باشد. نوعی فرهنگ قدرت‌مابانۀ جنسی مردانه در جامعه ریشه دوانده که گویا مرد به واسطۀ رابطۀ جنسی دارای مقامی بالاتر است و عمل جنسی سوای جنسیت می‌تواند عاملی برای تحقیر زنان به حساب آید.

به همین دلیل است که در جدال‌های مردانه اولین باشنۀ آشیل رقیب فحاشی جنسی به زنان منسوب به وی از جمله مادر و خواهر اوست؛ چراکه براساس این فرهنگ قدرت‌مابانۀ جنسی مردانه اگر مردی قادر به برقراری این رابطه باشد یعنی توانسته آن زن را تحقیر کند و به واسطۀ تحقیر وی بستگانش را نیز تحقیر نماید.

براساس همین رویکرد است که در این نوع از جوامع زنان قوی یا موفق، به انجام اعمال جنسی خارج از عرف و شرع در بدل رسیدن به موفقیت متهم می‌شوند و این اتهام می‌تواند وسیله‌یی برای تحقیر آنان به حساب آید. توانایی و هوش این زنان همواره تحت الشعاع این شک و شبهه در سایه قرار می‌گیرد.

ریشه چنین رویکرد ناسالم و آزادهنده‌یی از کودکی و تربیت غالب و برتری‌جویانۀ فرزند پسر در جوامع این‌چنینی آغاز می‌گردد. فرهنگی که فرزند پسر را برتر و عامل بقای خانواده می‌داند پس در جهت حفظ این برتری از حربه‌هایی چون تحقیر جنس دیگر استفاده می‌جوید.

به نظر می‌رسد در چند سال اخیر با افزایش زنان شاغل در بیرون از خانه و یا زنانی که کم کم در عرصه‌های اجتماعی و تحصیلی حرفی برای گفتن در جامعه افغانستان دارند موج جدید و گسترده‌یی از تحقیر جنسی زنان در آن جامعه به راه افتاده است. زنان سرشناس و یا حتی زنان کمتر شناخته‌شده صاحب نظر بدون هیچ واهمه یا پی‌گرد قانونی در فضای مجازی مورد هجمه‌های جنسی مخالفان قرار می‌گیرند. صرف نظر از درست بودن یا نبودن این ادعاها وجود چنین هجمه‌هایی آن هم به‌شکلی گسترده باقی زنان را از بیان آزادانه دیدگاه‌ها و نظریات‌شان می‌ترساند. از آن جاکه ظرفیت روانی هر انسان متفاوت از دیگران است، بسیاری از زنان از ترس مواجهه شدن با هجمۀ تحقیر کلامی جنسی صرف به جرم بیان نظریات‌شان از سوای مردان مخالف دیدگاه‌شان از بیان نظر خود در می‌گذرند و این یعنی یک برگ برنده بیشتر به نفع فرهنگ قدرت‌مابانۀ مردانه.

چنین به نظر می‌رسد که برای عبور از این چالش، زمان و تلاش بسیاری نیاز است تا بتوان در جامعه‌یی حتی با حداقل برابری برای هر دو جنس زندگی و بالندگی کرد.

● ترجمه: محمدعلی کریم‌زاده

نویسنده: زکری کارتو / منبع: نیویارک تایمز

● هنگامی که جون رابینسن در سال ۱۹۲۹ به دانشگاه کمبریج وارد شد، کسی انتظار نداشت که یکی از بزرگ‌ترین اقتصاددانان قرن بیستم شود؛ چه برسد به قرن بیست‌ویکم.

در آن زمان، ۲۶سال داشت و سه سال گذشته را در کنار شوهرش در هند سپری کرده بود، بدون آنکه حرفه و مسوولیتی داشته باشد. شوهرش، آستین، اقتصاددانی که شش سال از او بزرگ‌تر بود، آنجا معلم خصوصی فرزند یک مہاراجه بود. هنگامی که آستین به بریتانیا بازگشت تا به دانشکده اقتصاد کمبریج ملحق شود، چون که قبلاً در مقطع لیسانس اقتصاد تحصیل کرده بود، حس جاه‌طلبی‌اش برانگیخته شد، اما به محیط زن‌ستیزانه‌یی پا گذاشته بود.

علم اقتصاد در دانشگاه کمبریج به مدت چهل سال تحت سیطرۀ ألفرد مارشال قرار داشت؛ کسی که تنها حس زن‌ستیزی‌اش یارای برابری با دستاوردهای فکری‌اش را داشت.

او با مری پیلی، اولین زن استاد دانشگاه در رشته اقتصاد ازدواج کرد و با جلوگیری از چاپ مجدد کتاب

پیلی، بلافاصله زندگی حرفه‌یی او را نابود کرد. رابینسن عصبانی اشاره می‌کند که مارشال با همسرش مثل یک «مستخدم یا یک منشی» رفتار می‌کرد.

اما رابینسن با قاطعیت تمام انتقام مری پیلی را گرفت. او در ادامه، نظریۀ جدیدی طرح کرد که میراث فکری

رابینسن چارچوب اندیشۀ مارشال را وارونه کرد. او در سال ۱۹۳۳، در کتاب دوران‌سازش، یعنی «اقتصاد رقابت ناقص» استدلال می‌کند که مسالۀ رقابت صرف به دوگانۀ رقابت کامل یا انحصار کامل تعلق ندارد. بازار رقابتی وضع طبیعی نیست، بل یک «حالت استثنایی» نادر است. «تعادلی» که در نهایت بازارها به آن می‌رسند تعادلی است که در آن بهبودهای پیشروندۀ مورد نظر مارشال متوقف می‌شوند و بسیاری از نقایص نظام‌های انحصاری آشکار می‌گردند.

امروزه مشاهده می‌شود که استدلال‌های رابینسن بیش از آنکه به کار اقتصاددانان شبیه باشد به کار فیلسوفان شباهت دارد.

در دوران رابینسن، تهیۀ داده‌های دقیق مالی-تولید ناخالص داخلی، بهره‌وری و شاخص‌های قیمت-هرساله انجام نمی‌شد.

رابینسن مانند سایر اقتصاددانان برجستۀ هم‌عصر خود، نتایج خود را با بررسی دقیق صنایع خاص به‌دست نیاور، بل مجموعۀ فرضیاتی درباره رفتار تجاری تدوین کرد، سپس به منظور ایجاد تعدادی قانون کلی، آن

فرضیات را در یک تحلیل ریاضی بسیار دقیق قرار داد.

بنابراین در دهه ۱۹۳۰، قدرت چنین استدلال‌هایی هم به میزان مفیدبودن عملی این قوانین در جهان واقعی و هم به جذابیت ذاتی آن‌ها بستگی داشت.

مؤثرترین سلاح در دستگاه مفهومی رابینسن ایده

● کینز و رابینسن بر این باورند که در اکثریت قریب به اتفاق مواقع، دولت‌ها باید پول خرج کنند و کسری بودجه را اداره کنند تا هر کسی که بخواهان شغل است بتواند شاغل شود.

در دهه ۱۹۲۰، اقتصاددانان با نفوذ اتریشی، لودویگ فون میزس اظهار کرد که کل کارکرد اتحادیه‌های کارگری ممانعت از برقراری رقابت منصفانه بر سر دستمزدها است که از طریق تهدید «خشونت بدوی» علیه اعتصاب‌شکنان اعمال می‌شود.

اما در چارچوب نظری رابینسن، این اتحادیه‌ها نیستند که بر سر راه رقابت در بازار کار ایجاد مشکل می‌کنند، بل بجز در موارد خاص و نادر ماهیت بازار کار ضدرقابتی است. رابینسن در عمل سیاست رقابت را به‌عنوان مسالیه‌یی در حقوق کار در نظر می‌گرفت. مشکلاتی که او مطرح می‌کند به زیاده‌روی و افراط چند شرکت کلان مربوط نمی‌شود که بخواهد با انحلال و انشعاب آن‌ها حل شود.

رابینسن بر این باور است که انحصار خریدار بیماری رایج بازار کار است و درمان آن اقدامات جبرانی پیوسته‌یی در سراسر اقتصاد می‌طلبد.

قبل از آنکه رابینسن کتاب دوران‌ساز خود را منتشر کند، با نابغۀ دیگر کمبریج، جان مینارد کینز، سر تألیف کتابی که بعدها «نظریۀ عمومی اشتغال، بهره و پول» نام گرفت و در سال ۱۹۳۶ منتشر شد، همکاری داشت.

با اینکه این کتاب به نام کینز منتشر شد اما حاصل همکاری مشترک او با نزدیک‌ترین دستیارش، ریچارد کان و رابینسن بود. این کتاب با ارایۀ دلایل نظری جدید، انقلابی در تحلیل اقتصادی کسری بودجه دولت، کمک به اقشار آسیب‌پذیر و مخارج ایجاد اشتغال به پا کرد.

کتاب کینز مانند کتاب رابینسن تأکید می‌کند که اشتغال کامل -یکی دیگر از ایدیال‌های اقتصاد کلاسیک- محصول طبیعی بازار نیست، بل موردی خاص و نادر است.

کینز و رابینسن بر این باورند که در اکثریت قریب به اتفاق مواقع، دولت‌ها باید پول خرج کنند و کسری بودجه را اداره کنند تا هر کسی که بخواهان شغل است بتواند شاغل شود.

همان طور که کتاب «نظریۀ عمومی» راهنمای سیاست‌گذاران قرن بیستم بود، کتاب رابینسن هم مخاطبان بسیاری به‌دست آورد، اما عمدتاً به‌واسطۀ جان کنت گالبرایت که ایده‌های رابینسن را در کتاب‌های پر فروش خود به‌کار بست، اما با مطرح شدن میلتون فریدمن در دهه ۱۹۷۰، اقتصاددانان بار دیگر برای درمان مشکلات کلان اجتماعی به هماهنگی طبیعی بازار آزاد روی آوردند.

رابینسن در سال ۱۹۳۸ در حالی درگذشت که مانند دوستان مذکر خود مشهور نبود، اما امروز نظریات رابینسن مجدداً مورد توجه فراوان قرار گرفته‌اند. تأثیر مجدد کتاب «نظریه عمومی» در تصویب مجموعۀ لوایح تشویقی چند تریلیون دالری طی یک سال گذشته مشهود بوده است. و توجه مجدد و مستمر به انحصار خریدار نیز می‌تواند نشان‌دهندۀ تأثیری به همان اندازه باشد.

مجموعه‌یی از ادبیات تجربی روه‌رشد نشان می‌دهد که بینش‌های مفهومی رابینسن درست بوده است: شدت‌یافتن تمرکز شرکت‌ها باعث شده که مساله دستمزد کارگران طی ۲۵سال گذشته نادیده انگاشته شود. رقابت ناقص نه‌تنها وجود دارد، بل به نظر می‌رسد در حال شدت یافتن است. اقتصاددانی به نام سیمچا بارکای مقدار دستمزد ازدست‌رفته یک کارگر معمولی را ۱۴هزار دالر در سال می‌داند. برت کاوانا، قاضی محافظه‌کار دادگاه عالی طی حکمی در سال ۲۰۱۹ علیه شرکت آپل از اصطلاح «انحصار خریدار» استفاده کرد.

طی تحقیقاتی که اخیراً توسط دموکرات‌های مجلس نمایندگان انجام شده مشخص شد که شرکت آمازون قدرت انحصار خریدار را به کار می‌بندد و هنگامی که به یک بازار بومی وارد می‌شود دستمزد کارگران بخش انبار و تدارکات را «کاهش می‌دهد».

در دوره‌یی که نیروی کار سازمان‌یافته ضعیف است و فرصت‌های شغلی تنها در تعداد معدودی از شهرهای بزرگ تمرکز یافته، بیشتر قسمت‌های ایالات متحده با کاهش خریداران بالقوه نیروی کار و فرصت‌های محدود جبران از طریق چانه‌زنی جمعی مواجه است.

در حال حاضر، اقتصاددانان بیش از پیش با این ایده کنار آمده‌اند که کسری بودجه‌های کلان دولت نه چیزی استثنایی، بل بخشی طبیعی از یک اقتصاد کارا به حساب می‌آید؛ علاوه بر این، مقررات‌گذاری‌هایی لازم است برای کسب اطمینان از اینکه کارگران دستمزدی که سزاوار آنند را به طور کامل دریافت می‌کنند. بالاخره جون رابینسن دارد به جایی که حقیق بوده می‌رسد.

پی‌نوشت:

*زکری کارتو (Zachary Carter) نویسنده کتاب بهای صلح، پول، دموکراسی و زندگی جان مینارد ینز است.



مارشال را زیر و رو کرد و درک ما را از رابطه میان رقابت و نیروی کار کاملاً دگرگون ساخت. اکنون، ابداعات بنیادی رابینسن در احیای مباحث مربوط به اصلاحات ضدانحصاری اهمیت دارند.

اقتصاد مارشالی عرصۀ تقارن‌های دلنشین بود. عرضه و تقاضا به طور طبیعی به تعادل می‌رسیدند و به کارگران دقیقاً مطابق ارزش مشارکت‌شان در تولید مزد پرداخته می‌شد. مادامی که شرکت‌ها مجبور بودند بر سر قیمت و کیفیت کالاهایشان به رقابت بپردازند، مصرف‌کننده‌ها می‌توانستند با خرید کالاهای ارزان‌تر و مرغوب‌تر از سایر رقبا، تولیدکننده‌ها را به بهبود کالاهای خود وادار کنند.

بازار مطابق نیاز مصرف‌کننده‌ها عمل می‌کرد و ثروت جامعه افزایش می‌یافت.

مار اوآگر این «باغ عدن» انحصار بود. اگر تولیدکننده واحدی سهم قابل توجهی از بازار را به خود اختصاص می‌داد، می‌توانست خود را از رقابت مصون سازد و مصرف‌کننده‌ها را وادار کند که با ترجیحات خودش -قیمت بیشتر، کیفیت نازل‌تر، جلوگیری از نوآوری- منطبق شوند.

مارشال قبول داشت که اکثر بازارها به طور کامل رقابتی نیستند، اما مانند سایر متفکران عصر خود، بر این باور بود که این نقایص موقتی هستند و بازارها گرایش طبیعی به رقابت دارند. بازار تقریباً همیشه وضعیت خود را خودش بهبود می‌بخشد و تنها وضعیت انحصار کامل می‌تواند از این تمایل بالنده ممانعت به‌عمل آورد.

جدیدی بود که خود آن را «انحصار خریدار» می‌نامید. انحصار همواره به گونه‌یی فهمیده شده بود که در آن یک فروشنده واحد قیمت‌های مدنظرش را بر خریداران ناتوان تحمیل می‌کرد؛ مانند صنعت نفت ایالات

متحده در آغاز قرن، اما به نظر رابینسن خریداران نیز می‌توانستند از میوه‌های ممنوعۀ رقابت ناقص بهره‌مند شوند؛ اگر برای کالایی فقط یک خریدار وجود داشته باشد، آن خریدار می‌تواند قیمت مطلوب خود را تحمیل کند و دیگر تفاوتی ندارد که چه تعداد فروشنده بر سر آن خریدار رقابت کنند. این انحصار خریدار است.

مهم‌تر از همه اینکه، رابینسن استدلال می‌کند که کارگران به‌عنوان کسانی که نیروی کار خود را می‌فروشدند تقریباً همیشه در مواجهه با کارفرمایان خود که خریدار نیروی کار آن‌ها هستند، در وضعیت بهره‌کشی انحصار خریدار قرار می‌گیرند. این مساله فنی، جنبه سیاسی‌یی نیز داشت: از نظر رابینسن به کارگران دستمزد بسیار کمی پرداخت می‌شد، حتی بر مبنای معیارهای عدالتی که کاهنان اعظم بازار آزاد طرح‌ریزی کرده بودند.

در مفهوم کلاسیک انحصار، اقتصاددانان و حقوق‌دانان اغلب اتحادیه‌های کارگری را موانعی غیرعادلانه بر سر راه رقابت می‌دانند؛ زیرا به جای اینکه کارفرمایان اختیار داشته باشند که بر سر استخدام تکتک کارگران آزادانه رقابت کنند، اتحادیه‌ها کارفرمایان را مجبور می‌کنند که با یک کنترل وارد مذاکره شوند.

سنجش خواهر و برادر آزاری در شهر کابل:

۴۴٫۴ درصد دختران در معرض آزار و اذیت قرار گرفته‌اند

۱ میانگین ۱٫۶۹، عصبی کردن یا میانگین ۱٫۶۱، و سایر خشونت‌ها با میانگین ۱٫۹۱.

در مقابل، کم‌ترین میانگین را گویه‌های خواهر و برادرآزاری جنسی با میانگین ۱٫۰۶ و روابط جنسی با میانگین ۱٫۰۰ (یکی از چالش‌هایی که محقق در این پژوهش با آن روبه‌رو بود، این بود که تمام پاسخ‌گویان به‌منظور حفظ عفت و برملا نشدن اسرار شخصی، پرسش‌های خواهر و برادرآزاری را با کمال صداقت پاسخ نداده‌اند و این واقعیت، بر امکان خطای این پژوهش در سنجش میزان خواهر و برادرآزاری جنسی افزوده است).
برای توصیف میانگین متغیرها و اطمینان از میزان شدت و تکرار دفعات از انواع آزار و اذیت‌های آن، مانند یک بار، دو و سه بار، چهار و پنج بار و بیش از پنج بار استفاده شد که در جدول زیر آمده است:

ردیف	نوع آزار	آزار	هرگز (درصد)	یک‌بار (درصد)	۲-۳ بار (درصد)	۴-۵ بار (درصد)	بیش از ۵ بار (درصد)	میانگین (بین ۱ تا ۵)	میانگین کل (بین ۱ تا ۵)
۱	جسمی	تبله دادن	۶۴/۹	۱۹/۳	۱۱/۹	۲/۵	۱/۵	۱/۵۶	۱/۶۲
		خراشیدن پوست	۸۳/۷	۶/۴	۸/۹	۱	۰	۱/۹۶	
		دندان گرفتن	۸۲/۲	۱۳/۴	۴	۱/۵	۰	۱/۲۵	
		موی کشیدن	۷۸/۲	۱۰/۴	۱/۵	۴/۵	۰	۱/۴۸	
		سلی زدن	۷۹/۲	۹/۴	۸/۴	۳	۰	۱/۳۵	
		ضربه زدن	۹۷/۰	۱/۵	۱/۵	۰	۰	۱/۵۰	
		سوزاندن	۹۷/۰	۱/۵	۱/۵	۰	۰	۱/۵۰	
		گلو فشار دادن	۸۹/۴	۵/۹	۱	۰	۰	۱/۹۰	
		سایر خشونت	۲۲/۹	۷۵/۲	۱/۹۰	۰	۰	۱/۹۰	
۲	روانی	فحاشی کردن	۶۳/۵	۱۵/۸	۹/۹	۸/۹	۱	۰/۲۳	۱/۲۶
		تحقیر کردن	۶۷/۵	۲۰/۰	۷/۰۰	۲/۵۰	۳	۱/۶۲	
		تهدید فیزیکی	۷۹/۹	۵/۵۰	۵/۵۰	۱/۵۰	۷/۵۰	۱/۶۹	
		عصبی کردن	۷۵/۴	۷/۵۰	۵/۰۰	۴/۵۰	۷/۵۰	۱/۶۱	
		حسادت	۸۱/۵	۶/۵	۶/۰۰	۶/۰۰	۰	۱/۹۱	
		سایر خشونت	۱۴/۰	۸۳/۵	۰/۵۰	۱	۱	۱/۹۱	
۳	جنسی	لمس و نوازش	۹۶/۵	۲	۱/۵۰	۰	۰	۱/۰۶	۱/۰۲
		روابط جنسی	۱۰۰	۰	۰	۰	۰	۰/۰۰	

اما درباره میزان خواهر و برادرآزاری، گاهی آمار و نگرانی‌های شهروندان با هم منطبق است و در برخی حالت‌ها، میان آمار و خشونت خواهر و برادرآزاری انطباق دیده نمی‌شود. این تحقیق نشان می‌دهد که میان آنچه شهروندان نگرانی زیادی از میزان خواهر و برادرآزاری دارند و نتیجه پژوهش یکسان نیست و کمترین میزان خواهر و برادرآزاری را در میان آنان در جدول نشان می‌دهد:

شماره	میزان	هرگز	۱ بار	۲ و ۳ بار	۴ و ۵ بار	بیش از ۵ بار
۱	جسمی	۸۱ درصد	۱۰ درصد	۱٫۸ درصد	۰٫۰ درصد	۰٫۰ درصد
۲	روانی	۷۴ درصد	۱۱٫۱ درصد	۱٫۷ درصد	۰٫۶ درصد	۰٫۲ درصد
۳	جنسی	۹۸٫۷ درصد	۵۰ درصد	۰	۰	۰٫۸ درصد

بر اساس یافته‌های این پژوهش، خواهر و برادرآزاری روانی با بیشترین فراوانی به شرح زیر بوده است: ۷۴ درصد هرگز، ۱۱٫۱ درصد یک بار، ۱٫۷ درصد دو و سه بار، ۰٫۶ درصد چهار و پنج بار، ۰٫۲ درصد بیش از پنج بار. میزان خواهر و برادرآزاری از نوع جسمی برابری می‌کند با درصد فراوانی ۷۱ درصد هرگز، ۱۰ درصد یک بار، ۸٫۱ درصد دو یا بیشتر از دو بار. کمترین میزان اعلامی، خواهر و برادرآزاری جنسی بوده است با ۰٫۵ درصد یک بار و ۰٫۸ درصد دو یا بیش از دو بار.

همان گونه که در بالا اشاره شد، در میان پاسخ‌گویانی که خواهر و برادرآزاری را تجربه کرده و این موضوع را با دیگران در میان گذاشته‌اند، جسمی ۱۴ درصد، روانی ۲۰ درصد و جنسی ۲ درصد است. نتایج

در بخش یافته‌های پژوهش و متغیرهای مورد مطالعه این تحقیق، این پرسش مطرح می‌شود که آیا بین خواهر و برادرآزاری (جسمی، روانی و جنسی) و سن، جنسیت، تحصیلات، متغیر اقتصادی و سایر متغیرها رابطه‌ی وجود دارد؟ در ادامه بیشتر به این مساله خواهیم پرداخت:

جنس: میزان خواهر و برادرآزاری در میان گروه سنی این پژوهش متفاوت است: ۴۴٫۴ درصد دختران در معرض آزار و اذیت خواهر و برادرآزاری قرار گرفته‌اند که آمار بیشتری را تشکیل می‌دهد. در مقابل، کمترین خواهر و برادرآزاری را در یک سال پسران تجربه کرده‌اند: ۳۰٫۳ درصد. با توجه به آنچه در بالا اشاره شد، این نتیجه خیلی نگران‌کننده است و مبین این امر است که خواهر و برادرآزاری متحمل شده از طرف پسران علیه دختران بیشتر است و به‌عنوان تأیید‌کننده فرهنگ مردسالار حاکم در خانواده‌های افغانستان است.

سن: با توجه به آمارهای پژوهش، ۲۲٫۷ درصد پسران و دخترانی که در معرض خشونت خواهر و برادرآزاری بوده‌اند، بین ۱۰ تا ۱۳ سال داشتند که کمترین تعداد را تشکیل می‌دادند. فراوانی خواهر و برادرآزاری که در بین سنین ۱۳ تا ۱۶ سال بودند، درصدی آن‌ها ۲۲٫۷ درصد به دست آمده است.

شایان توجه است که بیشترین میزان خواهر و برادرآزاری در میان کودکان ۱۶ سال به‌بالا بوده که درصدی آن‌ها ۵۴٫۴ درصد است. معنای آن این است که گروه سنی ۱۰ تا ۱۳ سال و ۱۳ تا ۱۶ سال دچار خشونت خواهر و برادرآزاری نمی‌شوند؛ بل عواملی مانند سطح پایین سواد و نداشتن درکی از خشونت، باعث میزان اندک خواهر و برادرآزاری در این گروه سنی شده است.

تعداد فرزند: بیشترین کودکان قربانی خواهر و برادرآزاری (۴۰ درصد) در این پژوهش، کودکانی هستند که بیشتر از ۶ تا ۱۲ فرزند در یک خانواده زندگی می‌کردند و کمترین میزان (۱۰ درصد) در خانواده‌هایی است که کمتر از دو فرزند داشتند. میزان خواهر و برادرآزاری در خانه‌هایی با ۲ تا ۴ فرزند، ۲۴ درصد و از ۴ تا ۶ فرزند، ۲۸ درصد است.

تحصیل والدین: با توجه به جواب پاسخ‌گویان، بیشترین میزان خواهر و برادرآزاری در خانواده‌هایی است که میزان تحصیلات پدر ابتدایی (۴۱٫۵ درصد)، دیپلم (۲۳٫۳ درصد) و لیسانس (۴۰ درصد) بوده و کمترین میزان خواهر و برادرآزاری در خانواده‌هایی اعلام شده که تحصیلات پدر ماستری و دکتورا بوده است. همچنین بیشترین میزان خواهر و برادرآزاری (۳۷٫۹ درصد) در خانواده‌هایی گزارش شده که تحصیلات مادر در سطح ابتدایی بوده است.

نکته درخور توجه اینکه بیشترین میزان خشونت خواهر و برادرآزاری در خانواده‌هایی است که والدین تحصیلات عالی نداشته‌اند؛ بنابراین، بی‌سوادی والدین می‌تواند عامل اساسی برای بروز و جلوگیری از خواهر و برادرآزاری در خانواده‌های شهروندان کابل محسوب شود.

شغل والدین: در پژوهش حاضر بیشترین میزان خواهر و برادرآزاری جسمی، روانی و جنسی در خانواده‌هایی است که پدر و مادر آنان بیکار است. درصدی فراوانی در خانواده پدر شاغل ۲۴٫۴ درصد و بیکار ۳۶٫۶ درصد است. همچنین میزان خواهر و برادرآزاری در خانواده‌های مادر شاغل ۲۰ درصد و بیکار ۳۷٫۶ درصد بیان شده است. کمترین میزان خواهر و برادرآزاری در خانواده‌هایی است که مادر و پدر شغل داشته‌اند.

درآمد: درآمد جمعیت آماری موضوع پژوهش بدین شرح گزارش شده است: ۳۷٫۸ درصد والدین فاقد درآمد، ۴۸٫۱ درصد ۵ تا ۱۰ هزار افغانی، ۲۳٫۴ درصد ۱۰ تا ۲۰ هزار افغانی و ۱٫۶۷ درصد از ۲۰ هزار بیشتر درآمد داشته‌اند. از طرفی، فقر به‌عنوان یکی از عوامل تعیین‌کننده خشونت خانوادگی خود را نشان می‌دهد؛ چون بیش از ۶۳ درصد خواهر و برادرآزاری در خانواده‌هایی دیده شده که درآمد آنان کمتر از ۲۰ هزار افغانی (کمتر از ۳۰۰۰ دلار آمریکایی) بوده است. با افزایش درآمد والدین میزان خواهر و برادرآزاری در خانواده‌ها کاهش چشم‌گیر را نشان می‌دهد. البته عوامل اقتصادی به‌تنهایی مهم نیست و عوامل دیگری هم می‌تواند نقش اساسی ایفا کند.

نتیجه‌گیری

مشاهدات نشان می‌دهد میزان خواهر و برادرآزاری هر روز در حال گسترش است و افزایش این پدیده، بسته به‌شدت و مدت آزار، در بلندمدت و کوتاه‌مدت پیامدهایی خواهد داشت. این نوع آزار می‌تواند سبب آسیب روانی و احتمال دچارشدن به بیماری‌های مانند اضطراب، اختلال روانی، افسردگی، خودزنی و میل به خودکشی شود و چنین اماره و نشانه‌هایی در کودکان (دختر و پسر) شهر کابل مشاهده می‌شود.

برای درمان آن متخصصان شیوه‌های فردی (فرد خواهر و برادر آزریده) و خانوادگی را در نظر دارند. همان گونه که اشاره شد، افغانستان از جمله معبود کشورهای است که میزان بزه‌دیدگی اشخاص ناشی از جنگ، انتحار و انفجار، خشونت فرهنگی، خشونت اجتماعی و ده‌ها خشونت دیگر در حال تحقق است. علاوه بر این، خشونت‌های خانگی و در رأس آن خشونت علیه زنان و کودکان روبه‌افزایش است و از افراد پرشماری قربانی می‌گیرد.

خواهر و برادرآزاری یکی از گونه‌های خشونت است که به‌سبب کثرت و انبوه خشونت‌های فجیع، از نظر شهروندان و پژوهشگران علوم اجتماعی دورمانده است؛ در حالی که میزان و شدت خواهر و برادرآزاری (جسمی، روانی و جنسی) در تمام سطوح جامعه به‌صورت فراگیر در حال گسترش است و برای کودکان، جامعه و خانواده‌های شهر کابل پیامدهای ناگواری دارد. در پایان، توصیه می‌شود که در زمینه تحصیلات، آموزش و آگاهی خانواده و جامعه بیشتر تلاش شود تا پدیده خواهر و برادرآزاری کاهش یابد و در نهایت به صفر برسد.

گروه تحقیقی راه مدنیت از زیر نظر ضیا یوسفی؛ پژوهشگر ارشد

● مطالعات انجام‌شده در دهه‌های اخیر بیانگر این موضوع است که آزار جسمی، ذهنی و جنسی کودک، به‌شدت با مشکلات روان‌شناختی سن کودک مرتبط است. (خضروی افلاک‌فر، ۱۳۷۵)

افسردگی، احساس گناه، سرزنش کردن خود، استرس پس از ضربه، ناسازگاری اجتماعی و احساس نداشتن امنیت، اجتناب از برقراری روابط صمیمانه، گوشه‌گیری و بیش‌فعالی همراه آزار و اذیت از آثار آن محسوب می‌شود. (زرگر و دیگران، ۱۳۸۵) برخلاف آزار جسمانی، آزار روانی اثری مشهود بر جسم کودک برجای نمی‌گذارد؛ اما آثار آن به‌مراتب عمیق‌تر و فاجعه‌آمیزتر است. (Lewiss, ۱۹۹۶)

با توجه به آنچه در بالا اشاره شد، به‌منظور ارایه نظریه ساختاری خانواده و برجسته شدن نقش زیربنایی خواهری و برادری، پژوهش‌ها به‌سمت بررسی موضوعات روان‌شناختی و توجه به نقش دوره نوجوانی معطوف شده است (شلمزاری، ۱۳۹۷)؛ چراکه خواهر و برادر در تصمیم‌گیری‌های نوجوانانی در خصوص آینده (شغل و مکتب) قدرت معناداری دارند. (Whiston & Keller, ۲۰۰۴, p)

از این جهت، تاریخچه این پژوهش گاهی در خصوص خواهر و برادر بیشتر بر نقش متغیرهای ساختاری (ترتیب تولد، فاصله سنی و تعداد خواهر و برادر) در مقابل متغیرهای فرایند (کیفیت رابطه) متمرکز شده است (شلمزاری، ۱۳۹۷). چنانچه برخی از پژوهش‌ها برای تعیین نقش خواهر و برادر در دوره نوجوانی بر متغیرهای فرایندی رابطه خواهر و برادر توجه کرده‌اند (stocker, burwell & briggs / 2005, deKovic & dust)؛ برای اینکه کیفیت ارتباط با خواهر یا برادر، عاملی در راستای سازگاری بیشتر در دوره نوجوانی، زمینه‌ساز مهم در یادگیری و تحولات، موقعیت اجتماعی و شخصی و رویارویی کمتر با مشکلات روانی مطرح شده است. (شلمزاری، ۱۳۹۷)

در دهه‌های اخیر، پژوهش‌های خوبی در زمینه انواع سوءرفتار، به‌خصوص خشونت خانگی، انجام شده؛ اما کمتر کسی به مساله خواهر و برادرآزاری توجه نشان داده است. تشخیص خواهر و برادرآزاری روانی از دیگر انواع آزار بسیار دشوارتر است. علت دشواری، شناخت رمز میان چشم‌وهم‌چشمی معمولی پذیرفته‌شده و شروع آزار است؛ مانند توهین کردن، تمسخر، تهدید و عصبی کردن. خواهر و برادرآزاری جسمی از مواردی است که به‌سادگی قابل رؤیت و تشخیص شده، شامل آسیب‌های عمدی آگاهانه نگذردن، سبلی یا ضربه جافو، شیشه و وسایل دیگر می‌شود. (نجفی ابرنآبادی و دیگران، ۱۳۹۳: ۶)

خواهر و برادرآزاری جنسی از مخفی‌ترین و پوشیده‌ترین نوع خواهر و برادرآزاری است؛ ولی به‌احتمال زیاد این نوع زنا یا محارم (validity) بیش از دیگر گونه‌های خواهر و برادرآزاری رخ داده باشد که ممکن است سال‌ها مخفی بماند و مشخص نشود. خواهر و برادرآزاری جنسی مانند لمس، نوازش، تماس جنسی و عورت‌نمایی و روابط جنسی، با عنوان رفتاری با ماهیت جنسی تعریف می‌شود. (نجفی ابرنآبادی و دیگران، ۱۳۹۳: ۶)

پدیده خواهر و برادرآزاری هرروز در حال گسترش است و افزایش این پدیده، بسته به‌شدت و مدت آزار در بلندمدت و کوتاه‌مدت، پیامد خواهد داشت. همچنین افغانستان از جمله معبود کشورهای است که میزان بزه‌دیدگی اشخاص ناشی از جنگ، انتحار و انفجار و نیز خشونت فرهنگی، خشونت اجتماعی و ده‌ها خشونت دیگر در حال تحقق است. علاوه بر آن، میزان و افزایش خشونت خانگی و در رأس آن، خشونت علیه زنان و کودکان، از افراد پرشماری قربانی می‌گیرد. خواهر و برادرآزاری یکی از خشونت‌هایی است که به‌دلیل کثرت و انبوه خشونت‌های فجیع، از نظر مردم و پژوهشگران علوم اجتماعی دورمانده است؛ در حالی که میزان و شدت خواهر و برادرآزاری در تمام سطوح خانواده و جامعه افغانستان، به‌صورت فراگیر در حال گسترش بوده و در کوتاه‌مدت و درازمدت پیامدهای ناگواری خواهد داشت.

فقدان منابع معتبر داخلی در افغانستان درباره خواهر و برادرآزاری با نگاهی پیمایشی نشان‌دهنده اهمیت این موضوع است. در دوره نوجوانی، بحران خواهر و برادرآزاری جسمی، جنسی و روانی، از مشکلات جدی در میان خانواده‌ها و فرزندان است و عواملی همانند تحصیلات، نحوه زندگی و درآمد والدین، قومیت، سن، اجتماع، مذهب و جنسیت، از جمله متغیرهایی است که در خصوص عوامل و میزان خواهر و برادرآزاری تأثیرگذار است؛ از این‌رو، با توجه به تأثیرگذاری متغیرهای فوق بر میزان خواهر و برادرآزاری و تأثیر فرهنگ خانواده گسترده در افغانستان، مساله خواهر و برادرآزاری به‌صورت مکرر اتفاق می‌افتد؛ ولی والدین از آن چشم می‌پوشند.

هدف این پژوهش ارایه نظریه ساختاری از خشونت خانوادگی از نوع خواهر و برادرآزاری جسمی، روانی و جنسی در میان شهروندان شهر کابل است. درباره این ناهنجاری، به‌گونه خنربانه‌یی در رسانه‌ها و محافل رسمی و غیررسمی، مطالب و سخنانی دیده و شنیده می‌شود؛ اما درباره پیامدهای آن تا هنوز مطالعه دقیق صورت نگرفته و پژوهش حاضر تا حدی خلای یادشده را رفع می‌کند و پرسش‌های مطرح‌شده این پژوهش را پاسخ می‌دهد.

سببهای پاسخ‌گویان

ابتدا لازم است توضیحاتی درباره مشخصات عمومی پاسخ‌گویان ارایه کنیم تا از طریق سیمای آماری آنان، اطلاعات کاملی به دست آید. در ادامه به نتایج مربوط به نگرش پاسخ‌گویان در ارتباط با هر یک از متغیرها به‌گونه‌ی اساسی خواهیم پرداخت.

جمعیت آماری مورد مطالعه در میان پاسخ‌گویان، کوچک‌ترین فرد ۱۰ سال و بزرگ‌ترین فرد ۲۰ سال داشته است و میانگین سنی افراد ۱۱٫۶ سال است. از میان پاسخ‌گویان بیشتر از ۵۰٫۵ درصد جامعه آماری پژوهش را مردان و ۴۸٫۵ درصد را زنان تشکیل داده‌اند و نیز ۱ درصد افراد جنسیت خود را مشخص نکرده‌اند.

خانوارهای ساکن شهر کابل از نظر تعداد افراد خانوار به ترتیب زیر بودند: ۶ درصد دوفره، ۳ درصد سه‌فره، ۶ درصد چهارفره، ۱۳٫۱ درصد پنج‌فره، ۷٫۵ درصد شش‌فره، ۸ درصد هفت‌فره، ۱۱٫۱ درصد هشت‌فره، ۲۳٫۱ درصد نه‌فره، ۵ درصد ده‌فره، ۲۰ درصد یازده‌فره، ۷٫۵۵ درصد دوازده‌فره، ۳ درصد سیزده‌فره و بیشتر.

میزان سواد پدر خانواده از مجموع پاسخ‌گویان، ۵۶٫۱ درصد سواد ابتدایی، ۳۱٫۷ درصد دیپلم، ۷٫۹ درصد لیسانس، ۲٫۶ درصد ماستری و ۱٫۶ درصد مدرک دکتورا بود. تحصیلات مادر ۷۷٫۶ درصد ابتدایی، ۱۵٫۵ درصد دیپلم، ۶٫۹ درصد دارای مدرک لیسانس بود. پدر خانواده ۴۷٫۲ درصد بیکار و ۵۲٫۸ درصد شاغل و مادر خانواده ۹۲٫۱ درصد خانه‌دار و ۷٫۹ درصد شاغل بودند. از تمام جامعه آماری، ۹۲٫۴ درصد والدین زندگی مشترک و ۴٫۶ درصد والدین زندگی جدا را اختیار کرده بودند. وضعیت اقتصادی بر اساس درآمد پاسخ‌گویان، ۶۰٫۹ درصد اقتصاد ضعیف، ۲۰٫۶ درصد متوسط و ۱۸٫۶ درصد قوی بودند.

بررسی میزان خواهر و برادرآزاری

در بررسی متغیر اصلی، میزان خواهر و برادرآزاری در شهر کابل مطابق داده‌های آماری چنین بود: میانگین کلی میزان خواهر و برادرآزاری جسمی در میان خانواده‌ها ۱٫۶۲ درصد میانگین و میزان میانگین کلی خواهر و برادرآزاری روانی ۱/۲۶ درصد میانگین بود.

میزان میانگین کلی در خواهر و برادرآزاری جنسی ۱٫۰۲ درصد میانگین بیان شده که این مساله بیانگر بیشترین میانگین کلی در میزان خواهر و برادرآزاری جسمی و کمترین میزان خواهر و برادرآزاری جنسی را در این پژوهش نشان می‌دهد.

همچنین میانگین گویه‌های خواهر و برادرآزاری جسمی به این شرح بود: تبله‌دادن یا پرتاپ‌کردن با میانگین ۱٫۵۶، خراشیدن پوست با میانگین ۱٫۶۹، دندان گرفتن با میانگین ۱٫۲۵، موی کشیدن با میانگین ۱٫۴۸، سلی‌زدن با میانگین ۱٫۳۵، ضربه زدن و سوزاندن با میانگین ۱٫۵۰ و سایر خشونت‌ها با میانگین ۱٫۹۰. میانگین گویه‌های روانی نیز بدین میزان بود: فحاشی با میانگین ۲، حسادت با میانگین ۱٫۴۲، تحقیر با میانگین ۱٫۶۲، تهدید فیزیکی

روزنامه‌یی برای حقوق شهروندی

مدیته

● صاحب‌امتیاز و مدیرمسئول: سید اصغر اشراق ۰۷۹۴۱۱۵۵۵۴ / eshraqsayed@gmail.com

● سردبیر: فرشته حسینی ● تحلیلگر ارشد: مجیب‌الرحمن اتل ● پژوهشگر ارشد: ضیا یوسفی

● ویراستاران: معصومه امیری و سامعه درویش ● نویسندگان: بکتاش روش، فرزاد عنایت، الهه موسوی، زهرا بیزدان‌شناس و مهدی هزاره

گزارشگر تحقیقی: زهره نوا ● گزارشگران: مرتضی پژواک، سید مهدی حسینی و نجمه رسا ● صفحه آرایی: گروه طراحان

● مسوول بازاریابی: ضمیرخان وفا - ۰۷۹۳۸۴۵۵۵۵ ● هماهنگی خبر و گزارش: ۰۷۹۰۲۹۵۵۲۹

● توزیع: کانون فرهنگی زنگ صبح ۰۷۶۷۱۵۲۰۶۲ ● توزیع در ولایات: میدان وردک، بامیان، غزنی، پروان، غور، ننگرهار و دایکندی

● دفتر: کارته سه ● به‌غیر از سرمقاله، مطالب دیگر بیانگر دیدگاه نویسندگان است.

✉ madanyat.daily@gmail.com
🌐 www.madanyatdaily.com
📘 fb.com/madanyatdaily
☎ 020 25 12 810

سر شاخ شدن رونالدو با کواکولا؛ آب بنوشید!

کریستیانو رونالدو در کنفرانسی خبری با عصیانیت بوتل‌های کواکولا را از پیش خود کنار زد و گفت به جای این‌ها آب بنوشید! به گزارش «ورزش سه»، کریستیانو رونالدو در این کنفرانس خبری به هیچ وجه در حال و هوای حمایت از اسپانسر اصلی مسابقات یورو ۲۰۲۰ نبود و بوتل‌های کواکولا را از روی میز خود کنار زد. کواکولا اسپانسر رسمی رقابت‌های یورو ۲۰۲۰ است و علاوه بر تبلیغات گسترده در این مسابقات در کنفرانس‌های خبری بازیکنان و سرمربیان نیز بوتل‌های این شرکت روی میز قرار می‌گیرد، اما ستاره پرتگال نتوانست خودش را راضی کند که به بوتل‌های کواکولا حتی نگاهی بیندازد و آن‌ها را از پیش خود کنار زد. پس از اینکه رونالدو به محض نشستن پشت میز کنفرانس بوتل‌های کواکولا را با انزجار از جلوی چشم برداشت، فریاد زد که «آب بنوشید» تا نظر خود را در این مورد کاملاً واضح بیان کرده باشد.



Education and Pandemic

● Sina rawish

The COVID-19 pandemic has affected educational systems worldwide, leading to the near-total closures of school. The COVID-19 pandemic is a huge challenge to education systems. Previous outbreaks of infectious diseases have prompted widespread school closings around the world. Today, this pandemic has disrupted educational, economic, and even social life systems in all countries of the world. Most governments decided to temporarily close educational institutions in an attempt to reduce the spread of COVID-19. As of 12 January 2021, approximately 825 million learners worldwide are currently affected due to school closures in response to the pandemic. According to UNICEF monitoring, 23 countries are currently implementing nationwide closures and 40 are implementing local closures, impacting about 47 percent of the world's student population. According to the recent report by the World Bank, South Asia region stands to lose up to

tions. The Impact of COVID-19 On Education/ learning: Mr. Abdullah Ahmadzai, Country Representative of The Asia Foundation presented the situation in Afghanistan. He said that according to a recent research by UNICEF from 35-40 Million population of Afghanistan, around 47.8% of them are under age of 15 and 3.7 million Afghan children are out of schools. Around 60% of these children are estimated to be girls. In addition, he said beside that how the pandemic affects us, there are other challenges the direct or indirect has influence in education system in Afghanistan, like, in most villages and districts Only 30% population has access to electricity and reliable internet is a luxury. In some village's families do not allow their children to go to school due to security situation. Given these challenges, due to pandemic Schools in country remained closed for almost entire academic year in 2020 and all exams were postponed. NGOs

nately around 80 to 90% has been started schools. But ever since the pandemic has hit, the situation is very grim. Schools have been shut since the breakout of the Covid-19 so it has been one and a half year for schools to stay non-operational. Some studies are indicating that children have lost roughly 90% in their reading skills and lost roughly 85% in their numeracy skills of what they had learnt in previous year. Due to pandemic impacts children are not happy, they are not mentally sustainable anymore. Begging an educationist, she suggested, we should mainly focus more on children wellbeing and mental health instated of focusing on what lefts from curriculums. Before starting the learning gap, we should think of how to support mentally our children to recover and understand their losses

Solutions-role of schools and educators: •The experts not only deliberated over the challenge but also tried to present some workable solutions. Some of the major suggestions are:

DR. MONA MATHUR Founder and CEO, Million Sparks Foundation, India	MR. SAKAR PUDASAINI Technologist and Educator, Nepal	MR. ABDULLAH AHMADZAI Country Representative, The Asia Foundation, Afghanistan	ROSHAN GANDHI Chief Executive Officer, City Montessori School, India
PANELIST	PANELIST	PANELIST	MODERATOR

622 billion dollars from School closure beside substantial learning loses. At peak of school closure in April 2020 94% of students or 1.6 billion children worldwide were out of school. During this pandemic universal education face newer Challenges, the digital method of teaching evaluated the issue of access of student to education to some extend poor and inconsistency teaching and learning practices, continues to be a challenge. In this regard, some educational and research institutions have designed and identified short-term solutions to solve this problem, and they propose mechanisms for the educational institutions that could meet the needs of students at any level and field. A webinar on "Education and Pandemic: Fulfilling Learning Gap among Children" was organized by the Centre for Civil Society (CCS), India in collaboration with Friedrich Naumann Foundation (FNF), South Asia. Prominent people from education space from Afghanistan, India, and Nepal deliberated the subject. Mr. Abdullah Ahmadzai, Country Representative of The Asia Foundation - Afghanistan, Dr. Mona Mathur, Founder and CEO of Million Spark Foundation -India, and Mr. Sakar Pudasini, Technologist and Educator - Nepal presented their insights on the nature and extent of the challenge and their possible solu-

including Open Society working in education sectors have been struggling on implementations of their education projects. Only a few team members were able to work from home. Private Schools Association has been conducting protest demanding the government to let them open schools or provide financial relief for their sustainability. In continuation of this webinar Deliberating on the topic Mr. Sakar Pudasaini, who works in education research and technology in Nepal While acknowledging similar and parallel challenges in the countries of the region and emphasized on the lack of data and research to gauge the deep impact on the learning loss among the children in Nepal. He said that based on UNICEF recent report 20% of kids are not going to school at all. There is no systematic data to shows the losses on education, but we all know that this pandemic has impacted the learning in extreme ways. People are still expecting the schools to open but without figuring the challenges and impact. Dr. Mona Mathur who is the Founder and CEO of Million Sparks Foundation said that in India there are 250 Million school going children, but only 40 % of them are enrolled in schools. Before the pandemic, India made all efforts to bring all children to school and fortu-

- To reduce the number of school dropouts, teachers should be trained so that they can deal with the mental state of children and eventually change the situation.
- For now, the main focus should be the happiness and wellbeing of children. The academic loss can be bridged in a phase-wise manner.
- Educators need to engage parents and community in the entire education process.
- Schools need to design effective programs for all children, including those who do not have digital access such as sending education material to their homes, getting teacher call parents, make sure kids doing something every day, small group activities etc.
- All 3 levels: communities, private or state level, educators have a tremendous opportunity to ensure the children are engaged.
- Government of Afghanistan organized open classes using TVs. This method can be effective for other countries as well.
- If the Internet is available, creating special software and online classes and otherwise using flash and CD can also be a good solution, most of private educational institutions in Afghanistan have used the same method.

د ناټو مشران د کابل هوایی ډگر د مالی ملاتړ پر دوام سلا شول



د ناټو مشرانو هوکړه کړې چې له افغانستان د ځواکونو تر وتلو وروسته هم د کابل حامد کرزي نړیوال هوایی ډگر د امنیت ساتنې بودجه ولري. دغه هوکړه (د جون ۱۴) برسلز کې د ناټو سرمشریزې پای اعلامیه کې شوې او ترکیې هم منلې، چې د ناټو ځواکونو تر وتلو وروسته به هم د دغه هوایی ډگر امنیت ساتي. د شمالي اتلانتيک تړون سازمان «ناټو» سرمشري پنس ستولتینبرگ دوشنبه په بروکسل کې ټینګار وکړ چې د کابل هوایی ډگر امنیت نه یوازې افغانستان کې د ناټو ملګري ماموریت، بلکې له افغانستان سره د نړیوالې ټولنې د اړیکو لپاره هم مهم دی. ښاغلي ستولتینبرگ وویل سرمشریزه پر هغو لارو چارو وغږېده چې له افغانستان د بهرنیو ځواکونو تر وتلو وروسته، د حامد کرزي نړیوال هوایی ډگر د عملیاتو پر دوام ځان ډاډه کړي. «ناټو او ملګري یې اوس پر دې کار کوي چې ځان څنګه مطمئن کړي چې په کابل کې نړیوال هوایی ډگر خپل عملیاتو ته دوام ورکړي. د سرمشریزې په ځنډو کې هم غونډې وشوې. البته چې ترکیه په دې هڅو کې کلیدي ونډه لوبوي.» ترکیې ویلي چې که نړیواله ټولنه یې مالي او لوژستیک ملاتړ وکړي نو چمتو ده چې د کابل هوایی ډگر امنیت ساتلو مسوولیت ومني. ترکیه دا مهال د ناټو په چوکاټ کې پنځه سوه سرتېري افغانستان کې لري او که د دې هوایی ډگر امنیت ساتلو مسوولیت مني، ښایي لا نورو پوځیانو ته اړتیا ولري. څو افغان طالبانو یې غبرګون کې ویلي وو، د دوچي تړون له مخې ترکی پوځیان هم باید له نورو بهرنیو پوځیانو سره یو ځای له افغانستانه ووځي او که داسې ونشي نو پایلې به یې ښې نه وي. د دوشنبې ورځې له سرمشریزې وړاندې د ناټو سرمشرې ویلي وو چې د پوځي حضور تر پای وروسته هم افغانستان سره پوځي مرستو ته دوام ورکړي. نوموړی وايي: «موږ افغانستان کې خپل پوځي ماموریت پای ته رسوو، خو افغانانو او د افغانستان امنیتي ځواکونو سره به ملاتړ ته دوام ورکړو.» هغه زیاته کړې چې د افغانستان ملاتړ به د ملګري حضور له لارې جاري ساتي او د افغان له امنیتي بنسټونو سره به په مشورتی ملاتړ دوام ولري. د ناټو سرمشرې ویلي: «موږ به د افغان امنیتي ځواکونو د بودیچې تامینولو ته دوام ورکړو. ټولو متحدانو دا ژمنه کړې ده.» **د چین او روسیې لخوا ګواښ د عکس سرچینه، EPA** د ناټو سرمشرې د چین او روسیې لخوا لویډیڅې نړۍ ته د ورپېښ ګواښ یادونه هم وکړه چې زیاته یې کړه چې ناټو مشران یې پر وړاندې په اقدام کولو سلا شوي دي. پنس ستولتینبرگ وویل، غړو هېوادونو هوکړه وکړه چې په پوځي، ملګري او نورو برخو کې به خپله بودیجه زیاتوي. نوموړي پر چین تور ولګاوه چې خپلې اټومي وسلې په پټه زیاتوي او له روسیې سره یې ګډ پوځي تمرینونه هم روان کړي دي. هغه همدا راز اعلان وکړ چې مشرانو د (ناټو ۲۰۳۰) تر نامه لاندې خپله راتلونکي اجنډا هم تصویب کړه، چې موخه یې د ناټو هېوادونو شریکه دفاع ده. **لویدیځو مشرانو ته د چین ځواب** ناټو چین ته دا سخت پیغام داسې مهال ورکوي چې تر دې وړاندې بریتانیا کې د نړۍ د اوو سترو اقتصادي هېوادونو سرمشریزه کې هم پر بېجینګ توندې نیوکې وشوې. د جی اووه مشرانو د غونډې د پای په اعلامیه کې چین د بشري حقونو د سرغړونو له کبله په کلکه وغانده او په دغه هېواد کې یې د کورویډ-۱۹ د رېښو د موندلو لپاره د رڼو څېړنو غوښتنه وکړه. بېجینګ دغو نیوکو ته لندن کې له خپل سفارت د یوې اعلامیې په څېړولو سره ځواب ووايه. د چین د سفارت اعلامیه کې چې اووه هېوادونه تورن شوي وو چې ګونډې «درواغ وايي، ګنګوسیې څپروي او بې بنسټه تورونه» پورې کوي. **ناټو څومره پېژني؟** - د شمالي اتلانتيک تړون سازمان چې په ناټو پېژندل کېږي د نړۍ تر ټولو پیاوړی سیمه ییز دفاعي ایتلاف دی. - دغه سازمان له دویمې نړیوالې جګړې وروسته په ۱۹۴۹ کال د دې لپاره رامنځ ته شو چې د پخواني شوروي اتحاد د پراختیا پر وړاندې مقابله وکړي. - دغه ایتلاف د غړو ترمنځ د جمعي دفاع د اصولو پر بنسټ جوړ شوی. - په لومړي سر کې یې ۱۲ غړي درلودل خو اوس ۳۰ ته رسېږي. منبع: بی بی سی